

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/ KMH۲۵۱۲
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۵/۲

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض تبریک به مناسبت میلاد امام مجتبی علیه‌السلام، اولین فرزند خانواده پیامبر، علی و زهرا سلام الله علیهم اجمعین و با آرزوی توفیق زیارتشان در دنیا و شفاعتشان در آخرت و با آرزوی قبولی طاعات و عباداتی که انجام داده‌اید، امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند به کرمش [طاعات و عبادات را] از همه قبول بفرماید و گناهانمان را بیامزد و اعمال ناقابل‌مان را به لطف و بزرگواری و کرم خودش قبول بفرماید و ان‌شاءالله خداوند به برکت دل‌های پاک جوان‌های پاک‌دلی که با این وضعیت هوای گرم و روزهای طولانی، روزه می‌گیرند و تشنگی و گرسنگی را تحمل می‌کنند و در جلسه‌ی قرآن حاضر می‌شوند و صفا و اخلاص خودشان را به نمایش می‌گذارند، دل‌های ما را هم پاک کند. دعاهای آنها را مستجاب کند و ان‌شاءالله این ماه، ماهی باشد که خداوند برای مردم مسلمان دنیا فرجی برساند و برای شیعیان علی علیه‌السلام برکات فوق‌العاده‌ای داشته باشد. ان‌شاءالله.

طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال

تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران

منشی جلسه - «طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر

دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران^۱

۱. طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۳۳/۲۶۵۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ به

ماده واحده- تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود، سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد و مشمول مالیات نیست و مابه‌التفاوت آن، در حسابی تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی» منظور و در بخش سرمایه بانک مرکزی ذیل حساب اندوخته‌ها در ترازنامه منعکس و گزارش می‌شود. مانده این حساب صرفاً بابت جبران زیان‌های احتمالی آتی بانک مرکزی ناشی از تغییر (کاهش) برابری‌های قانونی ارز (تسعیر) قابل استفاده است.

تبصره ۱- نرخ برابری ارز مطابق سازوکار قانونی توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد.

تبصره ۲- مفاد این قانون از تاریخ تصویب، لازم‌الاجراء است و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود و هرگونه تصمیم مغایر مفاد این قانون، ملغی‌الاثراست.

تبصره ۳- با تصویب این قانون، بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ نسخ می‌گردد.

آقای عزیززاده - این بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور که اشاره کرده، این است: «سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی، نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن، به خزانه دولت تحویل خواهد شد.» این قانون، مصوب سال ۱۳۵۱ است.

مسئله این است که بانک مرکزی مصوبه‌ای داشته است [که تفاوت ناشی از تسعیر نرخ ارز، بابت بدهی دولت محاسبه شود].^۲ کلیات بدهی دولت در این مصوبه‌ی بانک مرکزی اینها

→

شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲، بررسی کرد و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در این مصوبه را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۳۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بند (۳) مصوبه پنجاه و سومین جلسه مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳: «۳- در اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون

←

است: «بدهی دولت ۱۱۰ هزار میلیارد ریال»، یعنی ۱۱ هزار میلیارد تومان؛ «بدهی شرکت بازرگانی دولتی ۵۳ هزار میلیارد ریال». اصلاً بدهی شرکت‌هایی مانند شرکت بازرگانی دولتی را که آنها خودشان باید بپردازند. «بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۵۷ هزار میلیارد ریال». این پرداخت بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها که اینجا آمده، اصلاً غیر از آن چیزی است که در قانون هدفمندکردن یارانه‌ها پیشنهاد شده است؛ طبق آن قانون، برداشت از منابع دیگر برای هزینه‌کرد در هدفمندی یارانه‌ها ممنوع است.

آقای مدرس‌یزدی - باید عکس این مطلب باشد؛ یعنی باید از درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها [هزینه‌های سازمان هدفمندی یارانه‌ها را بپردازند].

آقای علیزاده - بله، باید از همان‌جا بگیرند و بپردازند. رفتند همین‌طوری [از خزانه و بانک مرکزی] و بانک‌ها [قرض] گرفته‌اند [و از آن منابع، یارانه‌ها را پرداخت کرده‌اند]. حالا می‌خواهند از محل تسعیر، این بدهی‌ها را بپردازند. «بدهی شرکت پشتیبانی امور دام، (۵۳) هزار میلیارد ریال»، بدهی شرکت ملی نفت ایران، بدهی سازمان توسعه برق ایران، بدهی شرکت توانیر، بدهی شرکت خدمات حمایتی کشاورزی، بدهی سایر شرکت‌های دولتی، بدهی بانک کشاورزی، بدهی بانک ملی، بدهی بانک سپه، بدهی بانک مسکن و بدهی سایر بانک‌ها، بدهی بابت تأمین ریالی مابه‌التفاوت پیش‌پرداخت طرح‌های عمرانی، بدهی بابت تعهدات ارزی وزارت دفاع، سایر تعهدات ارزی دولت، بدهی افزایش سرمایه در بانک جهانی و ...»

آقای یزدی - قبل از اینکه صورت این بدهی‌ها را ببخوانید، صورت مسئله را تشریح بکنید. این مسئله روشن است که با این درآمدی که از فاصله‌ی به اصطلاح نرخ اصلی ارز با نرخی که دولت آنها را فروخته است، بدهی‌های دولت را دادند. اما اصل

→

پولی و بانکی کشور و با توجه به تغییر نرخ ارز، مجمع مقرر نمود حدود ۷۴۰ هزار میلیارد ریال سود حاصل از تغییر برابری ریال در مقابل اسعار خارجی با بدهی‌های دولت، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و بانک‌های دولتی به بانک مرکزی به شرح زیر تسویه گردد:

۱-۳- بدهی دولت ۱۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۲-۳- بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۵۷ هزار میلیارد ریال؛ ۳-۳- بدهی شرکت بازرگانی دولتی ۵۳ هزار میلیارد ریال؛ ۴-۳- بدهی شرکت پشتیبانی امور دام ۳۱ هزار میلیارد ریال؛ ۵-۳- بدهی شرکت‌های تابعه وزارت نفت، نیرو و سایر دستگاه‌های اجرایی ۶۵ هزار میلیارد ریال؛ ۶-۳- بدهی بانک‌های دولتی ۳۸۰ هزار میلیارد ریال؛ ۷-۳- تعهدات ارزی دولت و پیش‌پرداخت اقساط مربوط به سهام، سرمایه و بازپرداخت وام‌ها به نهادهای مالی جهانی و بین‌المللی ۴ هزار میلیارد ریال.

بانک مرکزی موظف است ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ این مصوبه نسبت به اصلاح صورت‌های مالی بانک مرکزی و اعمال آن در گزارشات اقتصادی مربوط مطابق این بند اقدام کند.

تبصره - نظر به اینکه در برآورد سود حاصل (۷۴۰ هزار میلیارد ریال) از تغییر نرخ برابری به شرح فوق، مبلغ حدود ۳ میلیارد دلار دارایی مسدودی بانک مرکزی منظور نشده است، مجمع مقرر نمود در صورت آزادشدن مبلغ فوق سود حاصل از تغییر به نرخ روز آزادسازی محاسبه و مطابق بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی اختصاص یابد.»

متن مصوبه پنجاه و چهارمین جلسه مجمع عمومی عادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۲/۴/۹: «... در اجرای بند سوم مصوبات پنجاه و سومین مجمع عمومی بانک مرکزی موضوع اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، مقرر شد مبلغ ۷۴۰ هزار میلیارد ریال سود حاصل از تسعیر برابری ریال در مقابل اسعار خارجی با بدهی‌های دولت، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و بانک‌های دولتی به بانک مرکزی به شرح زیر تسویه گردد:

۱- بدهی دولت ۱۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۲- بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۵۷ هزار میلیارد ریال؛ ۳- بدهی شرکت بازرگانی دولتی ۵۳ هزار میلیارد ریال؛ ۴- بدهی شرکت پشتیبانی امور دام ۳۱ هزار میلیارد ریال؛ ۵- بدهی شرکت ملی نفت ایران ۹/۲۲ هزار میلیارد ریال؛ ۶- بدهی سازمان توسعه برق ایران ۸/۱۷ هزار میلیارد ریال؛ ۷- بدهی شرکت توانیر ۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۸- بدهی شرکت مخابرات حمایتی کشاورزی ۸ هزار میلیارد ریال؛ ۹- بدهی سایر شرکت‌های دولتی ۳/۶ هزار میلیارد ریال؛ ۱۰- بدهی بانک کشاورزی ۴۸ هزار میلیارد ریال؛ ۱۱- بدهی بانک ملی ۴ هزار میلیارد ریال؛

۱۲- بدهی بانک سپه (شامل ذخیره‌سازی کالا) ۱۶ هزار میلیارد ریال؛ ۱۳- بدهی بانک مسکن ۲۶۲ هزار میلیارد ریال؛ ۱۴- بدهی سایر بانک‌های دولتی با اعلام رئیس مجمع عمومی بانک‌ها (وزیر امور اقتصادی و دارایی) ۵۰ هزار میلیارد ریال؛ ۱۵- بدهی بابت تأمین ریالی مابه‌التفاوت پیش‌پرداخت طرح‌های ساینشور ۱۵ هزار میلیارد ریال؛ ۱۶- بدهی بابت تعهدات ارزی وزارت دفاع ۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۱۷- سایر تعهدات ارزی دولت ۱۵ هزار میلیارد ریال؛ ۱۸- بدهی بابت افزایش سرمایه در بانک جهانی، افزایش سرمایه در بانک توسعه اسلامی، اقساط پروژه‌های بانک جهانی، اقساط پروژه‌های توسعه اسلامی، حق عضویت مجامع بین‌المللی ۴ هزار میلیارد ریال.

←

→
تبصره ۱- تعیین (تفصیل) اقلام بدهی موضوع بندهای (۹) و (۱۵) با اعلام مشترک وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور خواهد بود.

تبصره ۲- تغییرات احتمالی در سقف‌های ریالی تعیین‌شده برای بندهای فوق با تأیید مشترک وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور انجام خواهد شد.»

لازم به ذکر است که این مصوبه با شکایت آقایان احمد توکلی و یدالله اثنی‌عشری و سازمان بازرسی کل کشور طی رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۰۳-۳۰۲-۳۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ باطل شده است. جهت اطلاعات بیشتر نگاه کنید به سایت دیوان عدالت اداری به آدرس www.divan-edalat.ir و سایت بانک مرکزی به آدرس www.cbi.ir

آقای علیزاده - ماده همین بود که گفتیم.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، ماده (۲۶) [قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱] این است: «الف- دولت موظف است در مقابل زیان‌های احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین، صادر و به بانک مرکزی ایران تسلیم نماید. ب- سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه به مصرف استهلاك اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد.»

آقای علیزاده - یعنی این ایرادی که [معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور] گفته است، به خود ماده واحده جدیدالتصویب برمی‌گردد؛ می‌گوید: «۱- با عنایت به مفاد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی، ابتدا صرف استهلاك بدهی‌های دولت به بانک مرکزی شده و مازاد آن تحویل خزانه دولت می‌گردد.

۲- صدر ماده واحده از حیث ممانعت در واریز سود حاصله به خزانه موجب کاهش درآمدهای دولت شده و از لحاظ ایجاد ممانعت در تسویه بدهی دولت به بانک مرکزی، باعث الزام دولت به پرداخت بدهی یادشده از سایر منابع شده که هزینه‌های عمومی دولت را افزایش می‌دهد. مضافاً اینکه، نحوه جبران این کاهش نیز مشخص نشده است؛ لذا مغایر با اصول (۵۳) و (۷۵) قانون اساسی است.» البته این مطلب، جواب دارد. من موقعی که ماده واحده مصوبه مطرح می‌شود، جواب ایرادش را می‌دهم. من بعداً می‌گویم که این حرف‌هایشان چه عیبی دارد.

«۳- تبصره (۲) ماده واحده مبنی بر تسری حکم قانون به قبل از تاریخ تصویب و ملغی‌الاثرب نمودن تصمیمات قانونی اتخاذشده به دلیل ایجاد مسئولیت مدنی و قانونی نسبت به تصمیمات قانونی گذشته، از لحاظ شرعی صحیح نمی‌باشد. در ضمن، این تبصره با تبصره (۳) ماده واحده در تعارض است؛ با این توضیح که در تبصره (۲) مزبور، آثار تصمیمات اتخاذی در سال ۱۳۹۱ که بر مبنای بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور اتخاذ گردیده لغو گردیده، در حالی که در تبصره (۳)، بند (ب) ماده (۲۶) مذکور از تاریخ تصویب نسخ شده است.

۴- تبصره (۳) ماده واحده در نسخ بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور به لحاظ ممانعت در واریز وجوه مربوطه به خزانه و کاهش درآمدهای دولت با توجه به توضیحات مذکور در بند (۲)

صورت مسئله را روشن کنید تا اشکال اصلی مشخص بشود تا بعد ببینیم آیا به اینجاها باید بدهند یا نه؟

آقای علیزاده - آقایان مجلسی‌ها چند تا دغدغه دارند. یکی از آنها همین است که می‌گویند دولت بدهی خودش به بانک مرکزی را از این محل پرداخت کرده است.

آقای یزدی - الآن وظیفه‌ی شورای نگهبان این است که احراز کند که آیا این اختلاف قیمت، درآمد است؛ و اگر درآمد است، آیا این درآمد، مطابق قانون، باید به خزانه واریز شود یا نه؟ اگر باید به خزانه واریز شود، خوب، باید به موجب قانون در اختیار دولت قرار گیرد [تا دولت بتواند آن را به حساب خزانه واریز کند].

آقای علیزاده - ما می‌گوییم که اگر بقیه‌ی درآمدهای دولت به خزانه واریز می‌شود، این درآمد هم باید به خزانه واریز شود. اگر بقیه‌ی بدهی‌ها، با اجازه‌ی دولت و با تصویب مجلس پرداخت می‌شود،^۱ این بدهی‌ها هم باید با اجازه‌ی مجلس پرداخت شود.

آقای یزدی - صورت مسئله را مشخص بکنید. آیا درآمد حاصل از اختلاف بین این دو نرخ، درآمد دولت حساب می‌شود یا نه؟ اگر درآمد دولت حساب می‌شود، آیا نباید به خزانه واریز شود؟ اگر باید به خزانه واریز شود، هزینه کردنش هم باید طبق قانون باشد. اگر درآمد دولت محسوب نشود، چطور بقیه [مازاد وجوه حاصله از تفاوت تسعیر دارایی‌های ارزی پس از کسر بدهی‌های دولت به بانک مرکزی، موضوع ذیل بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] را به خزانه واریز می‌کنند؟ اشکالی هم که در نامه‌ی دولت به آن اشاره شده است، مغایرت این مصوبه با اصل (۵۳) قانون اساسی است دیگر.^۲

آقای علیزاده - حالا بگذارید ما اول، بند به بند اشکالات دولت را یک‌بار بخوانیم.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا اگر می‌خواهید، من ماده (۲۶) را بخوانم.

۱. بر اساس اصل (۵۳) قانون اساسی، «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب، به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

۲. بند (۴) نامه‌ی شماره ۳۷۵۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور خطاب به دبیر شورای نگهبان: «۴- تبصره (۲) ماده واحده در نسخ بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، به لحاظ ممانعت در واریز وجوه مربوطه به خزانه و کاهش درآمدهای دولت با توجه به توضیحات مذکور در بند (۲) فوق، مغایر با اصول (۵۳) و (۷۵) قانون اساسی است.»

بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ نسخ می‌گردد.»

آقای علیزاده - حالا اگر آقایان نسبت به ماده واحده، فرمایشی دارند، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحيم. من فکر می‌کنم یکی از موضوعاتی که فنی است و وارد شدن به آن سخت است، این مسئله است. من می‌خواهم برداشت خودم را طرح کنم تا اگر ایرادی هست، نسبت به ایراد اول اشراف حاصل شود. بعد ان‌شاءالله، اگر توفیق شد، نتیجه‌گیری کنیم. من فکر می‌کنم دولت از حکم بند (ب) ماده (۲۶) [قانون پولی و بانکی کشور] استفاده می‌کرد؛ یعنی در شرایطی که از تغییر نرخ برابری ارز، درآمدی برای دولت حاصل می‌شد، دولت با این درآمد، بدهی‌هایش به بانک مرکزی را تسویه می‌کرد. حالا من این‌طور احساس می‌کنم. مجلس می‌بیند که دولت از نتیجه‌ی وضعیت بالا و پایین شدن ارز - که معمولاً به سمت بالاست نه به سمت پایین - استفاده می‌کند و بدهی‌هایش به بانک مرکزی را از این اختلاف نرخ ارز، تسویه می‌کند و نهایتاً سود تسعیر به جیب دولت می‌رود و آنچه که باید به نفع عموم مردم باشد، حاصل نمی‌شود. مجلس به این اعتبار، این‌طوری که در این مصوبه آورده است، می‌خواهد تفاوت ناشی از تسعیر را به عنوان «سود» نپذیرد. می‌گوید، این سود، سود تحقق‌یافته نیست. اگر سود نباشد، مشمول حکم بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور نمی‌شود که دولت بخواهد با توجه به آنچه که حاصل می‌شود، بدهی‌های خودش را به بانک مرکزی تسویه کند. نهایتاً مجلس برای اینکه این مشکل را به طور کلی از بین ببرد، آمده یک حسابی را [تحت عنوان حساب «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی»] ایجاد کرده که هر وقت بین آن نرخ ارز مصوب و نرخ ارزی که الان رشد پیدا کرده، تفاوت حاصل شد، این تفاوت نرخ را در آن حساب ببرد، تا از نرخ واریزی به آن حساب، از طریق بانک مرکزی به نفع مردم استفاده شود و مورد استفاده دولت در پرداخت بدهی‌هایش قرار نگیرد. از این جهت، من فکر می‌کنم مجلس راه‌حلی را مطرح کرده است و آن راه حل این است که این [مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی] را از آن حالت سود خارج کنند. به همین اعتبار، این عبارت را در صدر ماده واحده آورده‌اند: «این سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد.» حالا البته واقعیتش این است که این، سود است و نمی‌شود گفت سود نیست؛ اما مجلس خواسته است با این مصوبه، این سود را از حکم بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و

فوق، مغایر با اصول (۵۳) و (۷۵) قانون اساسی است. در ضمن نظرات تحلیلی معاونت در چهار برگ جهت استحضار اعلام می‌گردد.»

یک نامه هم خانم بداغی^۱ نوشته‌اند. تقریباً ایشان هم همین مطالب را فرموده‌اند، منتها یک مقدار به اصول قانون اساسی هم استناد کرده‌اند. حالا من آنها را در ضمن بندها می‌خوانم.

منشی جلسه - «ماده واحده - تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود، صرفاً سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد و مشمول مالیات نیست ...»

آقای یزدی - چه طور یک چنین درآمدی، سود تلقی نمی‌شود؟! یعنی چه؟

آقای مؤمن - این، سود تحقق‌یافته نیست.

آقای علیزاده - [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود]، سود محتمل است و بعد [از ایجاد تفاوت قیمت، محقق می‌شود؛ ممکن است امروز ارزش دارایی‌های ارزی] بالا برود و فردا پایین بیاید.

آقای مؤمن - اگر [درآمد حاصل از تسعیر]، سود است و جزئی از درآمدهای دولت محسوب می‌شود، باید همه‌ی آن بر اساس اصل (۵۳) قانون اساسی به خزانه واریز شود. [در نتیجه، صدر ماده واحده]، خلاف اصل (۵۳) است.

آقای علیزاده - حالا در مورد این موضوع، حرف داریم. مصوبه را تا آخر بخوانیم.

منشی جلسه - «... و مابه‌التفاوت آن در حسابی تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی» منظور و در بخش سرمایه بانک مرکزی ذیل حساب اندوخته‌ها در ترازنامه منعکس و گزارش می‌شود. مانده این حساب، صرفاً بابت جبران زیان‌های احتمالی آتی بانک مرکزی، ناشی از تغییر (کاهش) برابری‌های قانونی ارز (تسعیر) قابل استفاده است.

تبصره ۱- نرخ برابری ارز، مطابق سازوکار قانونی توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد.

تبصره ۲- مفاد این قانون از تاریخ تصویب، لازم‌الاجراء است و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود و هرگونه تصمیم مغایر مفاد این قانون، ملغی‌الاثراست.

تبصره ۳- با تصویب این قانون، بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و

می‌کنم این است که اگر این تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی، واقعاً باعث تحقق درآمدی برای دولت می‌شود، این قهرماً جزء دریافت‌ها [و درآمدهای] دولت است. وقتی جزء دریافت‌های دولتی شد، اصل (۵۳) قانون اساسی در مورد آن می‌گوید: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود.» وقتی طبق اصل (۵۳) شد، «همه‌ی پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.» بنابراین این اصل (۵۳)، با خود این بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مخالف است؛ چون در این بند گفته است: «سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه به مصرف استهلاك اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد؛» یعنی این سود احتمالی پیش از اینکه به خزانه واریز بشود، صرف استهلاك بدهی‌های دولت می‌شود. با اینکه اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گوید: دولت حق صرف کلیه‌ی دریافت‌هایش - که واقعاً دریافت کرده و به دستش رسیده - را [پیش از واریز به خزانه] ندارد؛ چون دولت باید همه‌ی دریافت‌ها را اول به حساب خزانه واریز کند و اگر خواست در هر جایی هزینه کند، بر اساس ذیل اصل (۵۳) کلیه‌ی پرداخت‌ها هم باید در حدود اعتبارات مصوب قانونی انجام بگیرد؛ یعنی به عبارت دیگر، مفاد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، نسبت به صرف این درآمد در جهت پرداخت بدهی‌های دولت، پیش از واریز به خزانه، با حکمی که در قانون اساسی ما بر آن بار شده مخالف است. در قانون اساسی گفته است که کلیه‌ی پرداخت‌ها باید در حدود اعتبارات باشد و نمی‌توان پیش از واریز درآمدها و دریافت‌های دولت به خزانه، آنها را هزینه کرد. نه اینکه [طبق این مصوبه] پیش از آنکه درآمد به خزانه برود، بیاییم بگوییم بدهی بانک ملی یا هر جای دیگری را با آن درآمد پرداخت کنند. آنچه بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی می‌گوید این است که با این سودی که برای بانک مرکزی حاصل شده، حالا هر چه هست، قبل از آنکه این درآمد به خزانه برود، اول دولت با آن بدهی‌هایش را بپردازد و بعد مازادش به خزانه واریز شود. اگر ما بخواهیم قانون اساسی را رعایت کنیم، با توجه به این قانون اساسی، نمی‌توان یک چنین قانونی را که خلاف نص قانون اساسی است، پذیرفت. این قانون، نمی‌تواند مقابل قانون اساسی بایستد. اگر تفاوت‌های ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی

بانکی کشور خارج بکنند و بعد، تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی» در حساب خاصی منظور کنند تا از این حساب، در جهت منافی که در تبصره‌های این ماده واحد آمده است، استفاده کنند. به نظر من هدفی که مجلس از این مصوبه دارد، یک هدف صحیحی است؛ یعنی مجلس خواسته که از این بالا و پایین شدن ارزش ارز، طلا و جواهرات، بهترین استفاده‌کننده‌اش دولت نباشد. مجلس خواسته که هر وقت این موارد [نوسانات قیمت ارز، طلا و جواهرات] اتفاق می‌افتد، منافع آن را به حساب خاصی واریز کنند تا از این حساب خاص، به نفع آنچه که در تبصره‌های ذیل ماده واحد پیش‌بینی کرده‌اند، هزینه شود. اما آیا از لحاظ شرعی، واقعاً می‌شود گفت که این تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی، سود نیست؟ البته مجلس برای اینکه این مشکل را به صورت اساسی حل کند، لغو بند (ب) ماده (۲۶) [قانون پولی و بانکی کشور] را هم در تبصره (۳) این مصوبه آورده است. به نظر می‌رسد مصوبه مجلس که به این نحو مطرح شده است، اشکالی ندارد.

آقای یزدی - آقایان حقوقدان‌ها به ما بگویند که آیا این پول حاصل از تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی، از جیب مردم درمی‌آید و خارج می‌شود یا نه؟ آیا این مابه‌التفاوتی که [از تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی و تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات] از جیب مردم در می‌آید و در اختیار دولت قرار می‌گیرد، سودی نیست که قانون اساسی می‌گوید باید به خزانه برود؟ همین‌طوری می‌شود گفت این سود هست، ولی تلقی سود نکنید که به خزانه نرود. خوب، به خزانه واریز بشود، بعد هم هر کاری می‌خواهند با آن بکنند، باید طبق قانون از خزانه برداشت کنند.

آقای سوادکوهی - خوب، این‌طوری که شما می‌فرمایید، مشکل است.

آقای یزدی - نه دیگر. الآن در این مصوبه می‌گویند [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی] سود تلقی نمی‌شود تا مشمول مالیات نباشد.

آقای اسماعیلی - نه، می‌گوید سود است، منتها مصرفش را می‌خواهند معین کنند.

آقای یزدی - درست نمی‌توان متوجه شد که واقعاً مقصود از این کار چیست؟

آقای مؤمن - بسم الله الرحمن الرحيم. آنچه که من عرض

آقای مؤمن - نخیر، می‌گویم بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - چرا؛ شما می‌فرمایید مصوبه‌ی مجلس که می‌گوید [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی] به حساب خزانه واریز نشود و در حساب خاص دیگر [تحت عنوان مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی] قرار داده بشود، ایراد دارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - خیلی خوب، باشد. فرقی نمی‌کند.

آقای علیزاده - اگر [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی]، سود باشد، بله، باید به حساب خزانه واریز شود.

آقای مؤمن - نه، ما به آن [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] هم ایراد داریم. هر دوی آنها مخالف اصل (۵۳) قانون اساسی است. فرقی نمی‌کند؛ یعنی این مصوبه که می‌خواهد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور را نسخ کند و اصلاً این مصوبه درصدد مخالفت با آن بند است، [مغایر اصل (۵۳) است]. آن‌وقت خود بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور هم خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس، هر دو ماده را خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی می‌دانید.

آقای مؤمن - بله، هر دو ماده، خلاف اصل (۵۳) هستند؛ مانعی ندارد که هر دو ماده، خلاف باشد. چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - درست است. حق ندارند [این درآمد را در حالی که به خزانه واریز نشده است، هزینه کنند]؛ اگر سودی باشد، همه‌اش باید به خزانه واریز شود. حالا مجلس می‌گوید: «سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد»، یعنی اینها اصلاً آمدند جلوی [تحقق] موضوع را بستند، ولی اگر واقعاً بنا باشد که این تفاوت ناشی از تسعیر، سود باشد [باید به خزانه واریز شود]. اساس بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور هم بر این است که این تفاوت ناشی از تسعیر، سود است. البته آنجا گفته‌اند سود احتمالی، ولی در اینجا که یقیناً سود، قطعی است. «... سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی...».

آقای علیزاده - عبارت «احتمالی» [در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] به آن معنایی نیست که در ذهن ما است؛ آن «احتمال» به این معنا است که اگر یک وقتی [دارایی‌ها و ارز

بانک مرکزی، واقعاً سود باشد و سود تحقق‌یافته هم باشد - که واقعاً سود است - باید بگوییم که تمام این دریافت‌ها باید به خزانه واریز شود. ولی اگر تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی را اصلاً سود ندانیم، قهراً حکم اصل (۵۳) قانون اساسی، بر آن منطبق نمی‌شود؛ ولی وقتی بنا شد که واقعاً از راه تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی، برای دولت سودی حاصل شود که در بانک مرکزی موجود باشد، خوب، این جزء دریافت‌های دولتی می‌شود [و باید به حساب خزانه واریز شود]. بانک مرکزی، بانکی است که مربوط به دولت است و تمام سرمایه‌اش غیر از آن مقداری که ناشی از سرمایه‌گذاری مردم است، متعلق به دولت است. تمام سرمایه‌ی آن، سرمایه‌ی دولتی است.^۱ قهراً سودی که به این سرمایه‌ی دولتی تعلق می‌گیرد، جزء دریافت‌های دولت است و قهراً مشمول اصل (۵۳) قانون اساسی قرار می‌گیرد. دولت، پیش از واریز تمام این سود به خزانه، حق مصرف یک ریال آن را ندارد و هر چه بخواهد از آن برداشت بشود، باید در حدود اعتبارات مصوب - یعنی به همان مقدار و برای همان مصرفی که مجلس تصویب می‌کند و اجازه می‌دهد - باشد. ما نمی‌توانیم در این مصوبه، اصل قانون اساسی را به خاطر یک بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور که در سال ۱۳۵۱ تصویب شده است، رعایت نکنیم، بلکه قاعده‌اش این است که بگوییم که همه‌ی آنچه که دولت به دست می‌آورد، اگر واقعاً سود است - که هست - جزء دریافت‌های دولت است و همه‌اش باید به حساب خزانه واریز شود و دولت و هیچ‌کس دیگری حق برداشت یک ریال از آن را هم ندارد، مگر اینکه در حدود اعتبارات مصوب و بر اساس اجازه‌ی مجلس و قانون‌گذاری باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس شما به ماده واحده‌ی مجلس، اشکال می‌کنید.

۱ بند (ه) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ه - سرمایه بانک مرکزی ایران پنج میلیارد ریال است که از محل سرمایه قبلی بانک و تفاوت ناشی از اجرای ماده (۱) این قانون و اندوخته‌های بانک تأمین شده و متعلق به دولت است که تماماً پرداخت شده است. سرمایه بانک به پیشنهاد مجمع عمومی و تصویب هیئت وزیران ممکن است افزایش یابد.» گفتنی است سرمایه‌ی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس حکم ذیل بند مزبور، به تناوب توسط هیئت وزیران افزوده شده است. به عنوان مثال، بر اساس مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۶ هیئت وزیران، سرمایه‌ی این بانک از محل اندوخته‌ی احتیاطی از مبلغ سی و هفت هزار میلیارد (۳۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به مبلغ چهل و سه هزار و چهارصد میلیارد (۴۳,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال افزایش یافته است.»

و جواهرات بانک مرکزی] گران‌تر فروخته شد، [آن سود، محقق می‌شود].

آقای مؤمن - آن «سود احتمالی»، [قبل از واریز به خزانه] ابتدا صرف استهلاک بدهی‌های دولت می‌شود. حالا که در این مصوبه، آن سود احتمالی، سود قطعی شده است و اصل ماده واحده، سود بودن این تفاوت را قبول کرده است، اگرچه گفته است «سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد». من می‌خواهم عرض کنم که اگر ما سود بودن «سود احتمالی» بیان‌شده در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور را مسلم بدانیم، آن بند را باید بر خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی بدانیم و بگوییم که باید هم‌اکنون به خزانه تحویل بشود.

آقای علیزاده - این ماده واحده مصوبه گفته [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی را] خرج نکنید.

آقای مؤمن - بله، اینکه منافات ندارد. من حرفی ندارم که به این مصوبه هم که مجلس [سود بودن] تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی را به شکل دیگری تثبیت کرده است، اشکال بگیریم.

آقای علیزاده - یک مصوبه داریم، ما این مصوبه را باید ببینیم خلاف است یا نه؟ آن «سود احتمالی» که در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور است، به این معنا نیست که اضافه‌ی قیمت، احتمالاً سود است و احتمالاً سود نیست. این را نمی‌خواهد بگوید. برداشت من از بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور این است که می‌گوید اگر یک وقتی [بانک مرکزی، ارز را] گران‌تر فروخت، با آن مابه‌التفاوت - که سود است - بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران پرداخت شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [بانک مرکزی] ارز را به قیمت آزاد می‌فروشد.

آقای علیزاده - بله، در قدیم، همیشه نرخ دلار، یک قلم و معادل هفت تومان بود. مدت‌ها هم این قیمت پابرجا بود. بعد اگر یک وقتی ارز گران‌تر می‌شد، مابه‌التفاوت آن همان چیزی است که بند (ب) ماده (۲۶) می‌گفت. معنای «احتمالی» در آنجا چنین چیزی است که به نظرم، در سود بودن آن [مابه‌التفاوت] شکی نیست.

آقای مؤمن - الان [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، خلاف قانون اساسی هم است.

آقای علیزاده - بله. اما دولت خودش نمی‌تواند بدون مصوبه‌ی مجلس، از این سود، بدهی‌هایش را بپردازد. این [تفاوت ناشی از

تسعیر دارایی‌های ارزی]، سود است و باید به حساب خزانه واریز شود و مجلس هم به خزانه می‌تواند بگوید این درآمد را در [حسابی تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی»] بلوکه بکنید و به هیچ‌کس هم ندهید. این هم حق مجلس است و همه‌ی ما باید این را قبول کنیم. هر بدهی‌ای را که دولت می‌خواهد پرداخت کند، باید در بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی بشود [و مجلس به دولت اجازه بدهد] که دولت آن را بپردازد. ما هم که در دستگاه دولتی بودیم، این‌طور بود که یک ردیفی با عنوان «بند (۱۸) قانون بودجه» داشتیم که مربوط به پرداخت بدهی‌ها بود. در آن ردیف برای ما بودجه را پیش‌بینی می‌کردند و می‌گفتند امسال این قدر بابت پرداخت بدهی به شما می‌دهیم تا شما پرداخت کنید.^۱ الان آقایان مجلسی‌ها یک دغدغه‌ای دارند. اینها می‌گویند اگر ۷۴،۰۰۰ میلیارد تومان ناشی از تفاوت تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی، چهار بار گردش کند، حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان گردش پولی می‌شود که این، یک وضعیت تورمی عجیبی را در جامعه ایجاد می‌کند. به همین دلیل، مجلس می‌گوید این تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی در حسابی بلوکه بشود تا هزینه نشود و گردش مالی و تورم ایجاد نکند. وقتی در مجلس در مورد این مصوبه صحبت می‌کردند، حرفشان این بود. البته یک نامه‌ای از جناب آقای مظفر^۲ و یک نامه از آقای توکلی^۳ به شورا ارسال شده است که اگر واقعاً وقت بشود، من این دو نامه را هم بخوانم، مطالب بسیار خوبی دارند. این دو نفر در نامه‌هایشان

۱. برای مثال می‌توان به بند (۴۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ یا بند (۷-۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰ یا بند (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۰/۲/۱۹ اشاره کرد: «۴۲- دولت مجاز است اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید را با سررسید یک تا سه سال به صورت بی‌نام و بانام، صادر کرده و به منظور تسویه بدهی مسجل خود بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مطابق ماده (۲۰) قانون محاسبات عمومی کشور اسناد مزبور را به قیمت اسمی تا سقف شصت هزار میلیارد (۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال به طلبکاران غیردولتی واگذار نماید. اسناد مزبور از پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده و به عنوان ابزار مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ محسوب شده و با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شوند.

تبصره ۱- دولت به منظور تأمین اعتبار اسناد مزبور در زمان سررسید، ردیف خاصی را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید.»

منوط به تصویب دولت است.»

۲. حسین مظفر، نماینده مجلس شورای اسلامی.

۳. احمد توکلی، نماینده مجلس شورای اسلامی.

برای تسویه بدهی‌های دولت تعیین نشده است و لذا گذراندن چنین مصوبه‌ای مغایر با اختیارات قانونی برای این مجمع می‌باشد. چرا [مجمع عمومی بانک مرکزی] این مصوبه را تصویب کرده است؟ به نظر می‌رسد دولت خودش این تصمیم را نگرفته [و تصویب آن را به عهده‌ی مجمع عمومی بانک مرکزی قرار داده] است؛ چون اگر این مصوبه، مصوبه‌ی هیئت وزیران بود، باید آن را [به منظور اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین] برای رئیس مجلس می‌فرستادند و رئیس مجلس هم می‌توانست بگوید این مصوبه، خلاف قانون است.^۵

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکالی که در این نامه به مصوبه‌ی بانک مرکزی آمده، وارد نیست؛ چون بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی می‌گوید خودبه‌خود این کار انجام می‌شود، نه اینکه دولت باید هر بار این کار را بکند.

۵. طبق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد، تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد.»

طبق قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ و اصلاحات بعدی آن، «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و نیز مصوبات موضوع اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد. در صورتی که رئیس مجلس آن را خلاف قانون تشخیص بدهد، نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نماید. چنانچه این قبیل مصوبات بعضاً یا کلاً خلاف قانون تشخیص داده شوند، حسب مورد هیئت وزیران و یا کمیسیون مربوطه مکلف است ظرف یک هفته پس از اعلام نظر رئیس مجلس نسبت به اصلاح مصوبه اقدام و سپس دستور فوری توقف اجرا را صادر نماید.»

بر اساس نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۳۲/م مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۰ شورای نگهبان، «هیئت وزیران پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، مکلف به تجدید نظر و اصلاح مصوبه خویش است؛ در غیر این صورت، پس از گذشت مهلت مقرر قانونی، مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الآثر خواهد شد.»

می‌گویند مجمع عمومی بانک مرکزی، اصلاً صلاحیت گرفتن این تصمیم را نداشته است.^۱ حالا من نامه‌ی آقای مظفر که کمی مختصرتر است را برای آقایان می‌خوانم.^۲ گفته است: «۱- به استناد جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸) قانون پولی و بانکی کشور،^۳ مسئولیت رسیدگی و اظهار نظر نسبت به ترازنامه بانک مرکزی ایران برای طرح در مجمع عمومی به عهده شورای پول و اعتبار می‌باشد که در مصوبه مذکور، طی شدن روند از طریق شورای پول و اعتبار امکان‌پذیر است.» یعنی ترازنامه بانک مرکزی ایران را در شورای پول و اعتبار مطرح نکرده‌اند. اصلاً مصوبه را در آنجا مطرح کرده‌اند یا نه؟

آقای مدرسی‌یزدی - ابهام دارد.

آقای علیزاده - بله می‌گوید ما نمی‌دانیم، ولی در آنجا مطرح نشده است. «۲- به استناد بند (د) ماده (۱) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸، «برابر پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین‌المللی پول محاسبه و تعیین می‌شود». لذا گزارش مبنای محاسبه مذکور در صورت جلسه قید نشده و ابهام دارد و مجمع عمومی نیز به طور مستقل از چنین اختیاری برخوردار نبوده است.

۳- به استناد بند (ج) ماده (۱۷) قانون پولی و بانکی کشور،^۴ هیچ‌گونه اختیاری برای مجمع عمومی در خصوص تصمیم‌گیری

۱. منظور، بند (۳) مصوبه‌ی جلسه پنجاه و سوم مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ و مصوبه‌ی جلسه پنجاه و چهارم مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. متن نامه‌ای که قرائت می‌شود، در اسناد و مدارک موجود و در دسترس یافت نشد.

۳. ماده (۱۸) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۱۸-

الف- شورای پول و اعتبار به منظور مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی ایران و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و تصویب سازمان و بودجه و مقررات استخدامی و آیین‌نامه‌های داخلی بانک مرکزی ایران.

۲- رسیدگی و اظهار نظر نسبت به ترازنامه بانک مرکزی ایران برای طرح در مجمع عمومی. ...»

۴. بند (ج) ماده (۱۷) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ اصلاحی ۱۳۵۸/۱۲/۱۸: «ج- وظایف مجمع عمومی به شرح زیر است:

۱- رسیدگی و تصویب ترازنامه بانک مرکزی ایران؛ ۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی نسبت به گزارش‌های هیئت نظار؛ ۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره پیشنهاد تقسیم سود ویژه؛ ۴- انتخاب اعضای هیئت نظار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ ۵- سایر وظایفی که طبق مقررات این قانون به عهده مجمع عمومی گذارده شده است.»

آقای علیزاده - نه، بند (ب) نمی‌گوید که این کار خودبه‌خود [انجام بشود].

آقای هاشمی‌شاهرودی - مگر نگفته دولت این کار را بکند؟

آقای علیزاده - «سود احتمالی ... به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن، به خزانه دولت تحویل خواهد شد.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - آن مربوط به بند (الف) است [که برای دولت تعیین تکلیف شده است] و می‌گوید: «دولت موظف است در مقابل زیان‌های احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین، صادر و به بانک مرکزی ایران تسلیم نماید» [و در بند (ب) تکلیفی برای دولت معین نشده است].

آقای علیزاده - نه، پس اجرای بند (ب) با کیست؟ چه کسی [در خصوص میزان سود احتمالی و کیفیت هزینه‌کرد آن] تصمیم می‌گیرد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - خود بانک مرکزی.

آقای علیزاده - [در ادامه‌ی نامه آمده است:] «۴- به استناد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی که مورد استناد مجمع عمومی بوده است، سود احتمالی حاصل از تغییر برابری قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه و مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن، به خزانه دولت تحویل خواهد شد؛ در مصوبه مذکور، تنها ۱۱,۰۰۰ میلیارد تومان مربوط به بدهی‌های دولت است.» ایشان می‌گوید بقیه [این بدهی‌ها] متعلق به دولت نیست؛ این اشکال دیگر مصوبه‌ی دولت است. «طبق احکام بودجه سالانه، بند (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۱^۱ و تبصره (۱) جزء (۲) بند (۸۰) قانون بودجه سال ۱۳۹۲^۲، اختصاص و پرداخت

هرگونه وجهی برای اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، غیر از وجوه حاصل از محل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات موضوع قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و یارانه‌های موضوع این قانون، ممنوع است.» البته من این ایراد را نخوانده بودم، ولی صبح به نماینده‌ی دولت گفتم که شما طبق قانون نمی‌توانید از منابع دیگر بردارید و بابت هدفمندی یارانه بدهید. آقای توکلی هم این مطلب را نوشته است. «لذا تسویه بدهی ۵۷,۰۰۰ میلیارد ریال این سازمان، مغایر با این قانون است. طبق اصول (۵۲)، (۵۳) و (۸۰) قانون اساسی، تأمین کسری بودجه و به ویژه هر نوع کمک مالی به شرکت‌ها و بانک‌ها در قالب تغییر ردیف‌های قانون بودجه سالانه با تصویب مجلس انجام می‌شود و لذا تغییر ارقام بودجه شرکت‌ها و بانک‌های دولتی مذکور در بند (۳) مصوبه، اعم از منابع و مجوز هزینه‌ها و مصارف، مغایر با قانون می‌باشد. آثار و پیامدهای اقتصادی و مدیریتی ذیل نیز نیاز به بررسی دارد. بررسی آثار سوء رشد پایه پولی، آثار سوء عدم استقلال بانک مرکزی، تضعیف استقلال بانک مرکزی، بررسی آثار سوء مدیریت ...» بنابراین، الآن به نظر من مهم‌ترین ایراد این مصوبه، عدم واریز این سود به حساب خزانه است. من هم آن ایرادی که به ذهن حضرت آیت‌الله مؤمن و حضرت آیت‌الله شاهرودی رسید و فرمودند را وارد می‌دانم. به نظر من، باید بگوییم این سود باید به حساب خزانه واریز شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، باید به حساب خزانه واریز شود.

آقای علیزاده - باید بگوییم: همی این سود باید به حساب خزانه واریز شود و همی پرداخت‌ها هم باید به موجب قانون باشد. و بعد هم باید بگوییم که بدیهی است مجلس هم می‌تواند بگوید که از این محل، چیزی پرداخت نشود و این سود، در حساب خاصی بلوکه شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - باید واریز نشدن به حساب خزانه را اصلاح کنند.

۱. بند (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۴۸- در اجرای این بند اختصاص و پرداخت هرگونه وجهی برای اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، غیر از وجوه حاصل از محل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات موضوع قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و یارانه‌های موضوع این قانون، ممنوع است.»

۲. بند (۸۰) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹: «۸۰- درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۹۲ تا مبلغ پانصد هزار میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال شامل موارد ذیل است:

۱-۸۰- تا مبلغ سیصد و هشتاد و هشت هزار میلیارد (۳۸۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به صورت ماهانه و متوازن از محل اصلاح قیمت‌های مواد (۱) و (۳) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب



۱۳۸۸/۱۰/۱۵؛

۸۰-۲- تا مبلغ یکصد و دوازده هزار میلیارد (۱۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰)

ریال یارانه‌های نان، برق و سایر کالاها و خدمات مندرج در این قانون.

تبصره ۱- در اجرای این بند، اختصاص و پرداخت هرگونه وجهی برای

اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، غیر از وجوه حاصل از محل اصلاح

قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات موضوع قانون

هدفمندکردن یارانه‌ها و یارانه‌های موضوع این قانون، ممنوع است.

تبصره ۲- ...»

مجمع عمومی بانک مرکزی - به نحوی که آقای علیزاده مشروح آن را فرمودند - بدون اینکه واقعاً ارز یا طلائی فروخته شود و سودی از فروش آنها حاصل بشود، خواستند تمام آن چاله‌چوله‌های برداشت‌های خودشان را با یک محاسبه پر کنند. فقط با یک محاسبه صرف، می‌نشینیم حساب می‌کنیم؛ قیمت ارز آن قدر بود، این قدر شده؛ قیمت طلا آن قدر بود، امروز ارزشش این قدر شده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - یعنی [افزایش] پایه قیمت، سود نیست؟

آقای سلیمی - این، ارتفاع قیمت است. مثلاً اگر یک وقتی خانه‌ی حضرت‌عالی یکصد میلیون تومان می‌ارزید و حالا یک میلیارد تومان می‌ارزد، پس شما سرمایه‌دار و میلیاردر شده‌اید، ولی خانه‌ی شما [همان است و در واقع با افزایش قیمت ملک، پولی به جیب شما وارد نشده است].

آقای هاشمی‌شاهرودی - این ارزش افزوده‌شده به مال، سود است و در مال‌التجاره، این سود، خمس دارد.^۱

آقای سلیمی - من نمی‌خواهم بگویم این، سود نیست. مجلس می‌گوید اگر این سود را سود کسب‌شده و حاصل‌شده تلقی کنید، مالیات هم به آن تعلق می‌گیرد.

آقای علیزاده - بانک مرکزی باید در مقابل هر دلار، ۲۴۰۰ یا ۲۵۰۰ تومان پول به دولت بدهد.

آقای سلیمی - [مطلب شما را] نفهمیدم. الآن با این مصوبه‌ی مجلس که به کسی پول نمی‌دهیم. الآن دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی بدهکار هستند. الآن با این مصوبه هیچ چیزی به آنها نمی‌دهند. [این مصوبه] می‌گوید: بانک مرکزی مابه‌التفاوت ارزش تسعیر دارایی‌های ارزی [دولت در] بانک مرکزی - که ناشی از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات است - را بابت طلبش بردارد؛ چون ارزش اموال و طلاهای

آقای علیزاده - این موضوع را خودمان به مجلس می‌گوییم. این موضوع را در مجلس می‌گوییم که اگر شما بگویید که این سود احتمالی در حسابی بلوکه بشود و از محل این درآمد، چیزی پرداخت نشود، ما نمی‌توانیم ایراد بگیریم؛ چون لازم نیست که حتماً در مقابل هر چه به حساب خزانه واریز می‌شود، خرجی بتراشند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - بنابراین، مجلس می‌تواند بگوید [به‌منظور تجمیع مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی] یک حساب در خزانه تعیین بشود تا این سود در آنجا جمع و بلوکه بشود و از این حساب هم برداشت نکنند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - کسی حق برداشت از این حساب را ندارد، مگر در قانون بودجه اجازه داده شود.

آقای علیزاده - بله، مگر اینکه در قانون بودجه، اجازه‌ی برداشت از این حساب را بدهند. بنابراین، به نظر من، این حرفشان که می‌گویند: این سود احتمالی، سود تلقی نمی‌شود، بی‌ربط است؛ سود تلقی می‌شود و باید به حساب خزانه واریز شود و مجلس هم می‌تواند بگوید این سود احتمالی در حساب خزانه بلوکه بشود. این حرف من است.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم. این مصوبه، شأن نزول دارد و مشکل ما هم مثل همیشه، همان مشکل قانون‌گزینی است که منجر به طرح این مصوبه شده است. آن شأن نزول این بود که دولت هر طور دلش می‌خواست ارزها را در بازار آزاد می‌فروخت و وجه حاصله از فروش این ارزها را به مصرف مخارج خودش می‌رساند و چاله‌های خرج‌هایش را پر می‌کرد. مجلس آمد گفت: هر چه از فروش ارز حاصل می‌شود، باید به حساب خزانه واریز شود.

آقای علیزاده - مجلس چنین چیزی نگفته است.

آقای سلیمی - قبلاً مجلس دست دولت را بست تا دولت نتواند پول‌های حاصل از فروش ارز در بازار آزاد را [به صلاح‌دید] خودش خرج کند؛ مجلس گفت فروش ارز، آزاد باشد، ولی درآمد آن باید به حساب خزانه واریز شود. وقتی دست دولت از این جهت بسته شد، اینها [دولت با مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک مرکزی] آمدند گفتند: ما بدون اینکه ارزی را بفروشیم و درآمدی تحصیل کنیم، از محل مابه‌التفاوت قیمت روز ارز و قیمت اصلی آن - که دولت از طریق آن چاله‌های مخارجش را پر می‌کند - قروض خودمان را تصفیه می‌کنیم. با مصوبه‌ی

۱. «مردم، در داد و ستدهای خویش، به اموالی که برای تجارت و مبادله در نظر می‌گیرند، همچون چیزهای قیمی می‌نگرند. بدان‌گونه که تنها ارزش و بهای بازاری آن را دیده و ویژگی‌های جنسی آن را وامی‌گذارند. از همین جا است که برخی گفته‌اند در چنین دارایی‌هایی - مال‌التجاره - تنها با افزایش بهای آن، خمس لازم می‌گردد، گرچه هنوز آن را نفروخته باشد؛ زیرا می‌توان بالا رفتن بها را سود به شمار آورد. بنابراین، برای بها نیز ضمان خواهد بود، هر چند به جهت این که قیمت بازاری آن از صفات مثل می‌گردد. پول‌ها نیز، همچون مال‌التجاره‌اند، چرا که تنها به کار مبادله می‌آیند.» هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، «ضمان کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، ش ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۵۲-۹۸.

دولت بیشتر شده است، بانک مرکزی این [ارزش بیشتر] را بابت طلب‌هایش از دولت بردارد؛ یعنی یک قسمتی از این طلا و ارز را بابت طلب‌هایش بردارد، قسمت دیگرش به جای آنچه که قبلاً داشتیم، باقی بماند؛ یعنی در واقع این [ارز، طلا و جواهرات] را بر اساس قیمت آنها که مثلاً دو یا سه برابر شده است، نصف یا ثلث می‌کنیم: نصف یا ثلث اموال دولت که قیمت مال اصلی را داشته و دو سومش هم سود است. آن [نصف یا دو سوم] را هم بانک مرکزی بابت طلب‌هایش از دولت برداشت کند.

آقای ره‌پیک - خب، اینکه مفاد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور است.

آقای سلیمی - دولت بر اساس ماده (۲۶)، این مصوبه را در مجمع عمومی بانک مرکزی تصویب کرده است. مجلس با این مصوبه می‌گوید چون این سود به صورت بالفعل محقق نشده، سود بالقوه است [و سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد].

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - دولت نمی‌تواند ارز بفروشد؛ بانک مرکزی، ارز را می‌فروشد.

آقای سلیمی - اگر [مجلس به دولت] اجازه بدهد [می‌تواند ارز را بفروشد]؛ حالا اگر بتواند بفروشد و فروخت، [با پولی که به دست آمده] چه کار بکند؟

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - [این درآمد] باید در بودجه [پیش‌بینی شود، ولی اگر فروخت، باید آن را به صورت] ریالی به دولت بدهد.

آقای سلیمی - باید این درآمد حاصل از فروش ارز را به حساب خزانه واریز کنند؛ چون درآمدها به حساب خزانه واریز می‌شود. همان‌طور که حاج‌آقای مؤمن می‌فرمایند و اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گوید. هر چه ارز فروخته شود، از دست دولت خارج می‌شود، و لذا باید به حساب خزانه واریز شود؛ چون دریافت‌ها و پرداخت‌ها باید از خزانه پرداخت بشود.

آقای مؤمن - دولت حق ندارد [بدون مصوبه مجلس و بدون واریز به خزانه، این درآمد را] بردارد.

آقای سلیمی - بله، دولت نمی‌تواند برداشت کند. در این مصوبه آقایان مجلس گفتند که ما این [مابه‌التفاوت تسعیر] پول‌های خارجی و طلا را در یک حساب خاصی تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی» نگهداری می‌کنیم. البته به این [درآمد]، چون بالفعل نشده، سود حاصل شده [و تحقق‌یافته] نمی‌گوییم تا شما بگویید مالیات این را هم بدهید؛

چون هر چه که درآمد داشته باشیم، به آن مالیات تعلق می‌گیرد. ولی به این [درآمد]، مالیات تعلق نمی‌گیرد؛ چون درآمد بالفعل نشده است. می‌خواهد بگوید درآمد هست، ولی بالقوه است؛ مثل خانه‌ی من و شما است که فروخته نشده است و همان جای خودش باقی مانده است. چون این درآمد بالقوه است، دیگر مالیات به آن تعلق نمی‌گیرد. گفتند این مابه‌التفاوت را در یک حساب خاصی نگه می‌داریم. درست است که تعبیر به «خزانه» نکرده، ولی در واقع منظورش همین است. [این مابه‌التفاوت نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات را] در یک حساب خاصی نگهداری می‌شود که اگر چنانچه بعداً ارزش پول یا ارز یا طلا پایین آمد، از همین طلا یا ارزی که قیمتش بالا رفته بود، آن چاله‌های کاهش قیمت ارز یا طلا را پر کنند، بقیه‌اش هم در اختیار عموم حکومت باقی بماند، ولی در اختیار دولت قرار نگیرد که با این جابه‌جایی‌ها، تورم را بالا ببرد.

آقای علیزاده - شما نسبت به ایراد حاج‌آقای یزدی چه می‌گویید؟ آیا این مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی، [سود است و باید به خزانه برود]؟

آقای سلیمی - ارزیابی‌اش، مازاد دارد، ولی مالی فروخته نشده تا به خزانه برود، مثل خانه‌ی من و شماست.

آقای یزدی - ایشان [= آقای سلیمی] می‌گوید «تسعیر» که در اینجا آمده است، نفس قیمت‌گذاری است، نه تسعیر به معنای اینکه بفروشند و پولی بگیرند.

آقای سلیمی - همین است و بیشتر از این هم نیست. واقعیت، همین است. این‌طوری نیست [که مالی فروخته شده باشد و سودی حاصل شده باشد]؛ واقعاً هم، این نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، این حرف خوبی است.

آقای یزدی - یعنی در صورتی درآمد خارجی [محسوب می‌شود که دولت در تحصیل آن] تعدد داشته باشد.

آقای سلیمی - دولت برای تحصیل این درآمد، کاری نکرده است. این کار، فقط تسعیر و قیمت‌گذاری است.

آقای یزدی - چون نفس این کار، فقط تسعیر است، بنابراین، این مابه‌التفاوت در تسعیر است [نه در واقعیت و حقیقت]. این مابه‌التفاوت، حاصل قیمت‌کردن و محاسبه کردن ارزش جدید [ارزها و طلاهای موجود نسبت به قدیم] است، نه خرید و فروش خارجی که دولت مثلاً طلا یا ارز فروخته باشد و درآمدی کسب کرده باشد. اولین اشکال ما هم همین بود که اگر این سود، درآمد است، چرا در این مصوبه می‌گویید درآمد [و

محاسبه می‌کنم و می‌گویم ارز من که سابقاً معادل ۱۰۰۰ تومان بود، الآن ۳۰۰۰ تومان شده است؛ پس، ارزش این ارز ما سه برابر شده، دو برابرش را بابت بدهی‌ام به شما می‌دهم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آقای سلیمی، با آقای بهمنی^۱ تماس بگیرید تا به شما بگوید قضیه‌ی این مصوبه چیست؟ و چه می‌فروشد؟

آقای علیزاده - مطلب شما را فهمیدیم. حضرت آیت‌الله مدرسی بفرمایند.

آقای مؤمن - موضوع این مصوبه، تسعیر [ارز، طلا و جواهرات] است یا اینکه قیمت آنها بالا رفته است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - حاج‌آقا، [طلا و ارز را] می‌فروشند.

آقای مؤمن - نه، اصلاً قیمت بالا می‌رود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این تسعیر، مخصوص همین مقداری است که می‌فروشند.

آقای علیزاده - اگر اجازه بفرمایید، آیت‌الله مدرسی مطلبشان را بفرمایند.

آقای مدرسی‌یزدی - بسم الله الرحمن الرحيم. من فکر می‌کنم که اصلاً بحث دارد اشتباه پیش می‌رود. منشأ اشتباه هم این است که اصلاً قضیه‌ی بانک مرکزی و خزانه را با هم قاطی کرده‌ایم. خزانه و بانک مرکزی، دو تا است؛ اشتباه نشود. اینجا دارد می‌گوید که بانک مرکزی یک دارایی‌هایی مانند ارز، طلا و جواهرات دارد که به عنوان دارایی او حساب می‌شود. طبق قانون [پولی و بانکی کشور]، مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و حفظ ارزش پول هم بانک مرکزی است^۲ که مثلاً می‌گوید باید ریال، چند هزارم یک گرم طلا باشد و یا ارز، این نسبت را با ریال داشته باشد.^۳ پول‌های موجود در جامعه، طبق فرمول،

۱. محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲. بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۱۰ -

الف- بانک مرکزی ایران، مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری بر اساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد.

ب- هدف بانک مرکزی ایران، حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.»

۳. ماده (۱) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی آن: «ماده ۱ -

الف- واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

ب- یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰/۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلاي خالص.

ج- تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و

سود تحقق‌یافته] تلقی نمی‌شود و زائد بر این اشکال، اینکه حتماً باید به خزانه برود. این مصوبه، می‌گوید این اصلاً درآمد نیست؛ تسعیر است و تسعیر به معنای همین چیزی است که ایشان [= آقای سلیمی] توضیح می‌دهند؛ یعنی محاسبه و ارزیابی مابه‌التفاوت قیمت‌گذاری [طلا و ارز در دو زمان] است که به حساب بدهی گذاشته‌اند، ولی در بازار چیزی فروخته نشده است.

آقای سلیمی - هیچ چیزی به بازار برای فروش نیامده است.

آقای یزدی - اگر این باشد، اشکال رفع می‌شود.

آقای سلیمی - عرض بنده، این است.

آقای علیزاده - خیلی خب، متوجه شدیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آقای علیزاده، بانک مرکزی، ارز حاصل از فروش نفت را به عنوان ارز پیش خودش نگه نمی‌دارد، ارزها را هر سال می‌فروشد.

آقای علیزاده - نمی‌دانم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خب، از بانک مرکزی بپرسید. بپرسید تا به شما بگویند همه‌ی ارزها را هر سال می‌فروشند.

آقای یزدی - من عرض کردم که باید اول، موضوع مشخص بشود. اگر خرید و فروش واقعی ارز است، باید به خزانه برود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - عجب حرفی است! هر سال، ارز ناشی از فروش نفت در بانک مرکزی متراکم بشود؟! این چه حرفی است!؟

آقای سلیمی - الآن خیلی از ارزهای ما پیش خود ما هم نیست. یک مقدارش خارج از کشور است و به کشور برگشته است. مقداری از طلاها را هم در بانک‌ها آورده‌ایم. ما داریم چه کار می‌کنیم؟ باید بفهمید این کاری که دولت دارد می‌کند و این کاری که می‌خواهید جلوی آن را بگیرید، چیست. ما باید با توجه به واقعیت خارجی [نظر بدهیم]. ما با کاغذ و قلم و چهار خط نوشته مواجه نیستیم. واقعیت بیرونی این است که مقداری از ارزهای ما در بانک مرکزی و یک قسمت عمده‌اش هم خارج از کشور است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بانک مرکزی، ارزها را به بانک‌ها می‌دهند و آنها می‌فروشند.

آقای سلیمی - ارزهای خارج از کشور را اصلاً نمی‌دهند و نمی‌گذارند هم بیاوریم. در تحریم پولی مانده‌ایم. ما فقط این ارزها را قیمت‌گذاری می‌کنیم. یک وقتی بنده بدهی‌ام را با شما پایاپای معامله و تهاتر می‌کنم، تمام می‌شود. یک وقت نه،

نیست». وقتی که می‌گوید مشمول مالیات نیست، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی^۲ می‌شود؛ چون دولت مالیاتی را که باید از بانک مرکزی می‌گرفت، نمی‌تواند بگیرد. بانک مرکزی ایران، مثل سایر بانک‌های مرکزی دنیا مستقل است. بانک مرکزی آمریکا چه جوری است؛ اصلاً ربطی به دولت ندارد، خودش مستقل است و کارهایش را می‌کند. اینجا هم بانک مرکزی، دارای شخصیت حقوقی مستقل است و وظایفی در قانون بر عهده‌ی او گذاشته شده است^۳ و با دولت هماهنگی‌هایی دارد و آلا شخصیتش مستقل است. سودهایی که دارد، مشمول مالیات است و این مالیات به خزانه واریز می‌شود و درآمد دولت محسوب می‌شود. اینکه در این مصوبه گفته‌اند «مشمول مالیات نیست»، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ چون که یکی از منابع درآمدی دولت را حذف کرده‌اند. این اشکالی است که من دارم.

آقای یزدی - اصلاً معامله‌ی خارجی رخ داده است؟

آقای مدرس‌یزدی - اصلاً پس چرا می‌گویند: «مشمول مالیات نیست». به هر حال مجلس فرض کرده که سود هست و مشمول مالیات نیست. اگر اصلاً سود نیست که اصلاً مالیاتی ندارد.

آقای یزدی - سود، قطعی تلقی نمی‌شود، چون معامله‌ای [صورت نگرفته است].

آقای مدرس‌یزدی - پس چرا گفتند «مشمول مالیات نیست»؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - آنچه اینجا رخ داده است، ارزش افزوده است.

آقای مدرس‌یزدی - نخیر.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اجازه می‌دهید من یک چیزی بگویم؟

آقای مدرس‌یزدی - صبر کنید حالا من عرض تمام بشود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - شما [= آیت‌الله مدرس‌یزدی] دارید بیراهه می‌روید. اجازه بدهید عرض کنم. آنچه به خزانه داخل می‌شود، فقط «ریال» است؛ ارز در آن داخل نمی‌شود. این، قانون است. نفتی که فروخته می‌شود، پولش از راه بانک مرکزی [به نظام مالی کشور] وارد می‌شود نه از راه خزانه و دولت. بانک

پشتوانه‌ی طلای بانک مرکزی را دارد. حالا اگر از طریق قانون‌گذاری مجلس و یا هر روند قانونی دیگری این نسبت تغییر کرد یا به مقدار طلای بانک مرکزی اضافه شود، ارزش پول، اضافه می‌شود. نسبت‌های اینها که تغییر کرد، بنابراین بانک مرکزی که موظف بوده در مقابل پول در جریان، این مقدار ارز و یا طلا داشته باشد، با عوض شدن نسبت‌ها، یک مقدار ارز یا طلا دارد که در مقابلش اصلاً پولی در خارج نیست. خب اینجا [طبق بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی] می‌گوید: این ارزها، طلاها و جواهرات متعلق به بانک مرکزی است و ربطی به دولت ندارد. اشتباهی که در اینجا می‌شود این است که بعضی فکر می‌کنند اینها متعلق به دولت است. نخیر، این مال خود بانک مرکزی است و بانک مرکزی، در مقابل دولت، شخصیت حقوقی مستقل دارد؛^۱ یعنی با دولت بده - بستان دارد و ممکن است به دولت بدهکار و یا از او بستانکار شود. به این نکته توجه بفرمایید. خب، وقتی که بانک مرکزی یک مقدار درآمد اضافی دارد، متعلق به خودش است و هیچ ربطی به دولت ندارد. این تفاوت نرخ‌گذاری، درآمدی است که متعلق به خود بانک مرکزی است و متعلق به دولت نیست. از این جهت می‌گویند مالیات هم باید بر آن گذاشته شود و الا دولت که برای خودش مالیات وضع نمی‌کند. این که در این مصوبه می‌گوید: «مشمول مالیات نیست»؛ یعنی قبلاً مشمول مالیات بوده است. دولت که از خودش مالیات نمی‌گیرد؛ پس معلوم می‌شود دولت از یک شخصیت حقوقی دیگری مالیات می‌گیرد؛ یعنی چون آن درآمد یا سودی که متعلق به بانک مرکزی است، سود است، متعلق به بانک مرکزی است و باید مالیات آن را بدهد؛ چون هر کسی - چه شخصیت حقیقی و چه شخص حقوقی - که درآمد داشته باشد، باید مالیات بدهد. در این مصوبه می‌گوید: «مشمول مالیات

→

موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید هیئت وزیران و تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای اسلامی میسر خواهد بود. ...»

۱. بندهای (ج) و (د) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۱۰- ...»

ج- بانک مرکزی ایران دارای شخصیت حقوقی است و در مواردی که در این قانون پیش‌بینی نشده است، تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی خواهد بود.

د- بانک مرکزی ایران جز در مواردی که قانون صریحاً مقرر داشته باشد، مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و همچنین مشمول مقررات قسمت بانکداری این قانون نمی‌باشد.»

۲. اصل (۷۵) قانون اساسی: «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

۳. فصل دوم قسمت دوم (مواد ۱۱ تا ۱۵) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی آن به تبیین وظایف و اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

ناشی از تسعیر - که به دلیل افزایش قیمت فروش ارز، طلا و جواهرات است - را به خزانه بفرستد و اگر خواست در آنجا بلوکه‌اش کند و یا برایش هزینه‌ای درست کند. این فرضی که شما [=آیت‌الله مدرس‌یزدی] می‌گویید اصلاً بیراهه است. اگر از بانک مرکزی بپرسید، همین‌طور که عرض کردم، جوابتان را می‌دهند. با یک تلفن، همین را بپرسید.

آقای مدرس‌یزدی - [صحبت‌های شما با صحبت من] تنافی ندارد. اصلاً من صحبت‌های شما را نفی نمی‌کنم. من می‌گویم آیا خود بانک مرکزی ارز دارد یا ندارد؟ طلا دارد یا نه؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارزی که دارد، همین ارزهایی است که [از معاملات بین‌المللی به دست] می‌آید؛ ارز خاص دیگری ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - وقتی پول نفت وارد بانک مرکزی می‌شود، بانک مرکزی از یک طرف به دولت [بابت پول فروش نفت] بدهی دارد و از یک طرف، بخشی از آن درآمد، متعلق به خودش است. بانک مرکزی هم به دلیل تعاملاتی که با دولت دارد، هم بستانکار دولت است و هم به دولت بدهکار است. این مصوبه می‌گوید «مابه‌التفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی»؛ این عبارت اعم است از اینکه [بانک مرکزی ارزها را] بفروشد یا نفروشد؛ هر دو تایش را شامل می‌شود. صحبت بنده با شما هیچ تنافی ندارد. در این مصوبه دارد تصریح می‌کند و می‌گوید این مابه‌التفاوت، دارایی و بدهی بانک مرکزی است، نه خزانه و اصلاً ربطی به خزانه ندارد. آن وقت اینجا می‌گوید اگر سودی داشته باشد؛ یعنی فرض می‌کنیم مثل بقیه‌ی بانک‌ها که می‌توانند سود داشته باشند، اگر بانک مرکزی که «ام‌البنوک»^۱ است، سودی به دست آورد، [طبق قاعده] این سود، مالیات دارد و مالیاتش باید به حساب دولت ریخته بشود. وقتی می‌گویند بانک مرکزی باید مالیات بدهد، به خودش که مالیات نمی‌دهد، مالیات را به دولت می‌دهد که به حساب خزانه واریز می‌شود. آن وقت در این مصوبه می‌گوید: اگر بانک مرکزی سود کرد، نباید مالیات بدهد؛ خب، این یعنی اینکه این مصوبه، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است. یعنی چه؟ اگر سود ندارد که اصلاً مالیات معنا ندارد و اگر که سود دارد، [باید مالیاتش را بدهد].

آقای سلیمی - چرا دیگر.

آقای هاشمی‌شاهرودی - سود نیست.

مرکزی [دلار اخذشده از معاملات نفتی را] به ریال تبدیل می‌کند و به خزانه می‌دهد. تمام بودجه‌ی مملکت یا هر مقدار از بودجه‌ی کشور که متکی به نفت است، هر سال از طریق همین ارزها به این شکل وارد خزانه می‌شود؛ یعنی بانک مرکزی آن ارزها را می‌فروشد - چه به بانک‌ها بفروشد و چه در بازار آزاد بفروشد - و پولش را به ریال تبدیل می‌کند. بنده پرونده‌اش را دیده‌ام. برای همین کار پرونده تشکیل می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - [این بحث شما، حرف بنده را] نفی نمی‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس مقصود این مصوبه، تسعیر نیست؛ موضوعش فروش ارزهایی است که هر سال از درآمدهای فروش نفت و معاملات بین‌المللی ارزی به بانک مرکزی می‌رود. بانک مرکزی هم موظف است این ارزها را بفروشد و معادلش را به قیمت ریالی به خزانه بدهد.

آقای مدرس‌یزدی - من این را نفی نمی‌کنم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آن وقت، اینجا وقتی که دولت، ارز را گران کرد و درآمد اضافه‌ای حاصل شد، بحث بر سر این درآمد اضافه است که حالا وقتی ارز را می‌فروشد، این درآمد اضافه چه بشود. چون مجلس در قانون بودجه مشخص کرده که چقدر پول از محل فروش نفت باید به خزانه واریز شود، بانک مرکزی آن [مقدار مشخص شده در بودجه] را می‌دهد و این مازاد در اختیار خود بانک مرکزی باقی می‌ماند. در این ماده واحده‌ای که الآن تصویب کردند، می‌گویند این مازاد را به شکل ریالی برای خود بانک مرکزی نگهدارید تا برای پیشامدهای آینده از آن خرج بشود و مالیات هم به آن تعلق نگیرد؛ چون مثلاً [این ارزش افزوده] سود نیست. لذا موضوع بحث، ارزی است که فروش می‌رود، نه ارزی که در [حساب‌های بانک مرکزی] ذخیره می‌ماند و نه ذخایر ارزی. این قانون [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] و این ماده واحده‌ی مصوب مجلس، همه‌اش ناظر به همان ارزهایی است که بانک مرکزی آنها را به ریال تبدیل می‌کند و به حساب خزانه واریز می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - هر دو تایش [= ارز ذخیره‌شده و ارز فروخته‌شده] است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - دولت خواسته از این استفاده کند؛ مجلس خواسته جلوی این اقدام دولت را بگیرد. حرف آقای عزیزاده درست است که مجلس می‌تواند از طریق قانون‌گذاری جلوی این اقدام دولت را بگیرد و بگوید تمام این مابه‌التفاوت

۱. به معنای «مادر بانک‌ها» است.

آقای مدرسی‌یزدی - لازم نیست دولت واریز کند؛ خود بانک مرکزی به صورت اتوماتیک [= خودکار] این کار را می‌کند.

آقای اسماعیلی - حالا در این مورد، اختلاف داریم. ما می‌گوییم این عمل به صورت اتوماتیک انجام نمی‌شود. دولت باید این مابه‌التفاوت را به بانک مرکزی بپردازد؛ چون صدر بند (الف) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی گفته «دولت موظف است [در مقابل زیان‌های احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی ایران تسلیم نماید]». حتی اگر فرض کنیم که این ارزیابی به صورت اتوماتیک باشد، این بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی با [اصل (۵۳)] قانون اساسی جمهوری اسلامی، مغایر است؛ چرا؟ چون همین‌طور که فرمودند، «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی»، درآمد است و کلیه دریافت‌های دولت باید به خزانه برود. دولت هم اگر می‌خواهد بدهی‌اش را بپردازد، باید از خزانه برداشت کند و حساب و کتاب برداشت‌ها روشن بشود.

آقای علیزاده - یعنی باید با اجازه مجلس باشد.

آقای اسماعیلی - بله دیگر؛ باید با اجازه مجلس باشد. این یک مطلب که من این نکته را در مجلس عرض کردم و باعث شد که آن تبصره (۳) را در انتهای مصوبه آوردند که اصلاً این بند [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱] باید لغو بشود. حالا فارغ از اینکه الان دولت چه کار کرده و یا این مصوبه [= مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک مرکزی] چه هست، این بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی - که من تا حالا خودم آن را ندیده بودم - خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است و باید لغو بشود. این یک مطلب. مطلب دوم این است که با چشم‌پوشی از این اشکال، به نظر مجلس، آنچه که دولت الان انجام داده [مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک مرکزی]، با همین بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی هم مغایر است؛ چرا؟ چون دولت آمده علاوه بر بدهی‌های خودش، بدهی‌های شرکت‌هایش را هم از این پول پرداخته است. خوب، به همین دلیل است که الان دیوان عدالت اداری آمده و این مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک مرکزی را لغو کرده است.^۱ پس، اصلاً ما باید اقدام فعلی

آقای مدرسی‌یزدی - این مصوبه می‌گوید: «سود تحقق‌یافته، تلقی نمی‌گردد و مشمول مالیات نیست.» من این سؤال را از شما دارم که آیا بانک مرکزی قبل از تصویب این مصوبه و نفی سود، اعتباراً [طبق قوانین دیگر]، مالیات می‌پرداخت یا نمی‌پرداخت؟ چرا دیگر، می‌پرداخت. الان در این مصوبه می‌گوید: چون الان ما این مابه‌التفاوت را سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌کنیم، پس مالیات نپردازد.

آقای مؤمن - موضوع، این نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، خب، نمی‌شود. مجلس صلاحیت ندارد [که بانک مرکزی را از پرداخت مالیات معاف کند]. قبل از تصویب این مصوبه، چطور بوده است؟ آیا قبل از این مصوبه، این مابه‌التفاوت، سود محسوب می‌شده یا نه؟

آقای مؤمن - نبوده.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مابه‌التفاوت نبوده.

آقای مدرسی‌یزدی - یعنی قیمت ارز در سال‌های متمادی، متفاوت نبوده است؟! حتماً بوده. اصلاً مگر چنین چیزی می‌شود؟

آقای علیزاده - اگر حرف جناب عالی صحیح باشد، این مصوبه نباید منحصر به سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، شامل تمام سال‌ها و همه‌ی [سودهای بانک مرکزی] است. بانک مرکزی مالیات همه‌ی [این سودها] را می‌داده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نخیر، به ریال تبدیل می‌کرده و به خزانه می‌داده است.

آقای مدرسی‌یزدی - خوب، به نظر من، چون قبل از تصویب این مصوبه، این مابه‌التفاوت سود بوده و مشمول مالیات بوده، اینکه [این مابه‌التفاوت] مشمول مالیات نشود، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است. در مورد تبصره (۲) هم وقتی به بحث رسیدیم، آنجا هم عرضی دارم.

آقای علیزاده - جناب آقای دکتر اسماعیلی، بفرمایید.

آقای اسماعیلی - بسم الله الرحمن الرحیم. من از این متونی که در دستمان است و مذاکراتی که در مجلس شد، عرض می‌کنم؛ شما اصلاح بفرمایید. اولاً بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ می‌گفت: اگر نرخ برابری‌های قانونی نسبت به طلا و ارز و پول‌های خارجی تغییر کرد و احتمالاً سودی به دست آمد، دولت اول بدهی‌هایش به بانک مرکزی را بپردازد و اگر چیزی اضافه ماند، به حساب خزانه واریز کند.

۱. رأی مربوط به کلاس پرونده ۳۵۶/۹۲-۳۵۷-۳۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ در خصوص ابطال بند سوم مصوبه‌ی پنجاه و سومین جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و ←

به دولت بگوید این سود، تحقق یافته تلقی نمی‌گردد تا دولت خیال نکند که با پولی که به دست آورده است می‌تواند هر کاری می‌خواهد بکند. می‌گوید که اگر این کار را کردی [= ارز، طلا یا جواهرات را با قیمت بالاتر فروختی]، باید هر چه به دست می‌آوری، در یک حسابی [تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی خارجی»] در خزانه بریزی و آنها را نگه داری و نمی‌توانی طبق این بند از مصوبه، از آن استفاده کنی.

آقای هاشمی‌شاهرودی - و لذا اشکال آقای مؤمن وارد است.

آقای اسماعیلی - خب بله. آن بحث، مربوط به خزانه می‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خب، این حساب، در خزانه نیست، حسابی در بانک مرکزی است. فقط این اشکال وارد است، ولی اشکال دیگر [مغایرت با اصل (۷۵)] وارد نیست.

آقای اسماعیلی - حالا اشکال ما می‌تواند این باشد که این حساب، باید نزد خزانه باشد. این یک حرف جدایی است، منتها این مصوبه می‌خواهد جلوی دولت را بگیرد [که با این مابه‌التفاوت، بدهی‌هایش به بانک مرکزی را این‌گونه تسویه نکند].

آقای مدرسی‌یزدی - چرا فائلید [که این مابه‌التفاوت باید] در اختیار خزانه باشد؟ این متعلق به خود بانک مرکزی است.

آقای اسماعیلی - مگر بانک مرکزی [جزئی از] دولت نیست؟

آقای مدرسی‌یزدی - نه.

آقای اسماعیلی - [این مابه‌التفاوت،] درآمد دولت محسوب نمی‌شود؟! پس چرا الان دولت این پول را برمی‌دارد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصلاً پول دولت است. آقای مدرسی، وقتی ارز فروش می‌رود، بانک مرکزی طبق قانون بودجه، مثلاً دو هزار و چهارصد تومان بابت فروش هر یک دلار باید به حساب دولت واریز کند. ولی این [= بانک مرکزی] هر دلار را در بازار آزاد سه هزار تومان می‌فروشد. حالا آیا این ششصد تومان مابه‌التفاوت، متعلق به بانک مرکزی است؟ این پول نفت جمهوری اسلامی است، آن‌وقت یعنی مال بانک مرکزی است؟! در این مصوبه دارد در مورد این ششصد تومان تصمیم‌گیری می‌کند. خیلی روشن است دیگر.

آقای اسماعیلی - دولت این مابه‌التفاوت را متعلق به خودش محسوب می‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - معنا ندارد که متعلق به دولت محسوب بشود. این پول، قیمت نفت کشور است. یعنی چه که متعلق به بانک مرکزی باشد؟

دولت را از ذهنمان کنار بگذاریم. به ما ربطی ندارد. پس می‌ماند ماده واحده. خب، حالا ماده واحده چه می‌خواست بگوید؟ نگرانی مجلس این بود که دولت، یک مقدار ارز، طلا و سکه و اینها دارد و مردم هم مشتاقند [که آنها را خریداری کنند]؛ حالا یا نیاز واقعی دارند یا نیاز کاذب، فرق نمی‌کند. دولت از این احساس نیاز صادق یا کاذب، سوء استفاده می‌کند و این دلارها، طلاها و ارزها را به مردم به قیمت گران می‌فروشد و پول کاذبی به دست می‌آورد و به خاطر اینکه بدهی‌های خودش را به صورت صوری صفر بکند، تورم را در جامعه باقی می‌گذارد. دقت فرمودید چه می‌گویم. این اشکالی است که نمایندگان مجلس به مصوبه‌ی مجمع عمومی بانک مرکزی داشتند. می‌گفتند بدبختی این اقدام دولت به دوش مردم است؛ چون دولت از نظر شکلی و حسابداری، خودش را از بدهکاری خارج می‌کند، ولی تورمش به دوش مردم می‌آید. مجلس برای اینکه جلوی این اقدام را توسط هر دولت - و نه صرفاً این دولت - بگیرد، این مصوبه را تصویب کرد تا اینها نتوانند هر موقع دیدند که بدهی‌هایشان به بانک مرکزی زیاد است، با یک تکان افزایشی به قیمت ارز - بدون توجه به مشکلات و بلاهایی که بر سر مردم با این سیاست پولی می‌آید - بدهی‌شان را با مابه‌التفاوت قیمت ارز تسویه کنند.

آقای علیزاده - با این شرایط، قیمت ارز پایین نمی‌آید.

آقای اسماعیلی - بله دیگر، مرتب دارد بالا می‌رود؛ یعنی نمایندگان مجلس، نگران تورمند. حالا این نامه‌هایی هم که خواندند، شنیدید. خب، این ارزهایی که در طول این مدت، در بازار آزاد فروخته می‌شود، از کجا می‌آید؟ از آسمان که نمی‌آید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - همه‌اش مال بانک مرکزی است.

آقای اسماعیلی - همه‌اش مال بانک مرکزی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [فروش آنها هم] علنی است.

آقای اسماعیلی - بله، بله و حتی آن ارزهایی که به صورت غیررسمی می‌فروشند، معلوم است از کجا دارد می‌آید. حالا مجلس برای رفع این نگرانی، این مصوبه را تصویب کرد. در این مصوبه می‌خواهد بگوید: معلوم است که از تغییر نرخ ارز، سودی به دست می‌آید، در اینکه شکی نیست، منتها می‌خواهد

→

مصوبه‌ی پنجاه و چهارمین جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی در سایت دیوان عدالت اداری به نشانی زیر:

<http://divan-edalat.ir/print.php?page=ahoshow&id=9363>

آقای مدرسی یزدی - قانون را بخوانید، ببینید. قانون این است، حالا اگر عوض شده من نمی‌دانم. [بند (ج) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور [مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸] می‌گوید: «بانک مرکزی، دارای شخصیت حقوقی است.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارز، پول فروش نفت جمهوری اسلامی است.

آقای مدرسی یزدی - بانک مرکزی با دولت مبادله می‌کند؛ گاهی بدهکار است و گاهی بستانکار است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارز، حاصل فروش نفت مملکت است.

آقای مدرسی یزدی - بانک مرکزی مثل بقیه‌ی بانک‌ها [دارای شخصیت حقوقی است]. این، طبق قانون است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نفت، در اختیار بقیه‌ی بانک‌ها نیست.

آقای مدرسی یزدی - بانک مرکزی، عامل دولت است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خیلی خب، پس پول، مال دولت است.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، پول، مال دولت نیست. بدهکار و بستانکار دولت است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارز مال دولت است؛ چون نفت، مال دولت است.

آقای مدرسی یزدی - [این ارز در بانک مرکزی،] امانت نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارز، حاصل فروش نفت است.

آقای مدرسی یزدی - نه آقا، امانت نیست. در اینجا [بند (الف) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸] نوشته: «بانک مرکزی ایران مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری» است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بعضی چیزها بدیهی است.

آقای مدرسی یزدی - خب بله، بدیهی است.

آقای اسماعیلی - مجلس این مصوبه را تصویب کرد تا دولت برای حل مشکلاتش، به صورت صوری دلار را بالا و پایین نبرد تا پولی به دست بیاورد [تا با آن بدهی‌هایش را بپردازد]. گفتند: اگر دولت این کار را کرد و پولی به دست آورد - شما درست می‌فرمایید- باید به حساب خزانه واریز کند و اگر از خزانه هم خواست برداشت کند، با اجازه‌ی مجلس باشد و سر خود این کار را نکند. این را می‌خواست بگوید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - به واریز نشدن این درآمد به خزانه اشکال بکنیم تا مجلس آن را اصلاح بکند و بگوید این درآمد به حساب خزانه واریز شود.

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحيم. به نظر می‌رسد بیشتر اختلاف ما بر سر موضوع است. ما چند اصل قانون اساسی داریم که احتمال اینکه این مصوبه با آنها مغایرت داشته باشد، هست. ما باید اول این موضوع را احراز بکنیم که آیا این مابه‌التفاوت، درآمد هست یا نه؟ و آیا این درآمد، دریافت محسوب می‌شود یا نه؟ به نظرم در احراز این موضوع، خلط شده است. بحث مربوط به تسعیر در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، به روشنی نیامده است. بحث تسعیر را دوستان مجلس در این مصوبه، اضافه کرده‌اند. بعد هم باید ببینیم خود دولت این تسعیر را چه تعریف کرده است. در نامه‌ی [معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور]^۱ که جناب آقای علیزاده بزرگوار فرمودند و قرائت کردند، خود دولت گفته که «منظور قانون از سود حاصل از تغییر برابری‌های قانونی، همان مازاد ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در تاریخ ترانزانه می‌باشد»؛ یعنی [نمایندگان مجلس در این مصوبه] یک محاسبه را فقط سود تلقی کرده‌اند. بنابراین، [این سود،] یک امر موهوم است و شاید اصلاً اطلاق سود به آن درست نیست؛ لذا اولاً روی امر موهوم این‌طوری نمی‌شود قانون‌گذاری کرد؛ ثانیاً اصلاً به این تعریف نمی‌شود «دریافت» اطلاق کرد، بنابراین حتی به آن «درآمد» هم نمی‌شود گفت. در ابتدای همین نامه هم می‌گویند: «بانک مرکزی نیز بر اساس نرخ‌های جدید، دارایی‌های ارزی خود را تجدید ارزیابی نمود و تجدید ارزیابی انجام‌شده به تأیید رکن ناظر بانک که هیئت نظار می‌باشد هم رسیده است.»

آقای علیزاده - اگر درآمد دولت نیست، چطور بدهی‌اش را می‌خواهد از اینجا بدهد.

آقای ابراهیمیان - آنچه که دوستان [نمایندگان مجلس] اسمش را «درآمد دولت» گذاشته‌اند، «تجدید ارزیابی» است.

آقای سوادکوهی - واقعیت، چیز دیگری است.

آقای ابراهیمیان - اصلاً خود متن مصوبه هم، همین است.

آقای سوادکوهی - ولی مجلس واقعاً دارد [برای این مابه‌التفاوت که از نظر شما موهوم است] حساب باز می‌کند.

آقای ابراهیمیان - نه، عرض همین است که نمی‌شود حساب باز کرد. آنچه که به آن «تسعیر» می‌گویند، همین محاسبه است و اصلاً نمی‌شود برای این محاسبه، حسابی باز کرد که به‌عنوان درآمد عمومی دولت [به حساب خزانه] واریز شود.

۱. نامه‌ی شماره ۳۷۵۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ آقای بهروز مرادی معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور خطاب به دبیر شورای نگهبان.

اینکه آیا چیزی اضافه شده است یا نه، ناشی از این است که منابع بانک مرکزی تغییری نکرده است. یک قول این طوری می‌گویند؛ می‌گویند چون منابع تغییری نکرده، [بنابراین، سودی حاصل نشده است]. اگر بخواهید قیمت واقعی دلار و ارزهای دیگر و طلا را حساب کنید، یک مأخذ بین‌المللی دارد،^۲ باید بروید آنجا حساب بکنید. بنابراین، [بانک مرکزی] از نظر واقعی سودی نکرده است. بانک مرکزی، هر سال طبق قانون دارایی‌هایش را ارزیابی می‌کند. بنابراین، [از افزایش قیمت دارایی‌ها، ارزها و طلا و جواهرات] سودی نکرده است. لذا این مصوبه، اشکال دارد. یک قول دیگری هم وجود دارد که می‌گویند چون بانک مرکزی مکلف است دارایی‌هایش را به مأخذ ریال ارزیابی بکند و طبق قانون، هر دلار، معادل هزار و دویست و بیست و شش تومان بوده است که خود مجلس در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور گفت معادل دو هزار و پانصد تومان باشد ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - در بازار آزاد هم سه هزار و خرده‌ای است.

آقای ره‌پیک - اصلاً ما به قیمت دلار در بازار آزاد، کاری نداریم. می‌خواهیم قانونی حساب کنیم.

آقای یزدی - [قیمت دلار در بازار آزاد] بحث دیگری است. **آقای ره‌پیک -** اصلاً الآن حرفشان این است که می‌گویند می‌خواهیم قانونی حساب کنیم. می‌گویند: از یک طرف، قانون در بین سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ گفته است که بانک مرکزی دارایی‌های خود را به ریال ارزیابی بکند. از طرف دیگر هم، خود قانون گفته برای ارزیابی به ریال، به جای یک هزار و دویست و بیست و شش تومان، هر دلار معادل دو هزار و پانصد تومان در نظر گرفته بشود. الآن بانک مرکزی ارزیابی کرده است و مثلاً ایکس ریالش به دو ایکس ریال تبدیل شده است؛ دو برابر شده است. الآن به این مابه‌التفاوت چه بگویند؟ بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی و مصوبه‌ی جدید مجلس آمده‌اند برای این مابه‌التفاوت مذکور در ترازنامه - که عنوانش می‌خواهد سود باشد یا ارزیابی مجدد دارایی، من به عنوانش کاری ندارم - تعیین تکلیف کرده است. در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی، چون به ریال محاسبه شده بود، این «سود احتمالی» یا

آقای یزدی - بنابراین، شامل ارزهایی که فروخته می‌شود، نیست. بنابراین، توضیح شما [= آقای ابراهیمیان]، اختلاف حاج‌آقای شاهرودی و ایشان [آقای مدرس‌یزدی] را روشن کرد و نشان داد که منظور این مصوبه، درآمدهای حاصل از فروش ارزهای حاصل از فروش نفت نیست.

آقای ابراهیمیان - بله، آن نیست.

آقای یزدی - پس ارزهای بانک مرکزی دو قسم شد: یک قسم آنهایی است که در بازار فروخته می‌شود که این قسم، دریافت دولت است و درآمد دولت است و باید به خزانه واریز شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - الا و بالله، همین طور است. ما می‌دانیم همین طور است.

آقای یزدی - قسم دیگر، فقط تسعیر یا قیمت‌گذاری یا ارزیابی است. این درآمد مابه‌التفاوت ناشی از تسعیر را می‌شود مبنای محاسبه‌ی بدهی‌های دولت حساب کرد و از آن مالیات هم نگرفت و درآمد هم حساب نکرد.

آقای ابراهیمیان - خب، این تزییق مفهومی که مجلس به این مابه‌التفاوت دادند و گفتند: این محاسبه، سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌شود، حرف بدی نیست.

آقای یزدی - و این شامل آن ارزهایی که در بازار فروخته می‌شود، نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - یک بحث در مورد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی داریم و اینکه تا الآن چه کار کرده‌اند و اینکه آیا مطابق قانون بوده یا نه؟ [یک بحث هم در مورد این مصوبه‌ی جدید داریم] ظاهراً صورت مسئله این است. کارشناس‌ها و مدیران بانک مرکزی، هم به بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی اشکال داشته‌اند و هم به این مصوبه‌ی جدید اشکال دارند. [باید ببینیم] ماهیت این اتفاقی که می‌افتد، چیست؟ آنچه که ظاهراً در عمل اتفاق می‌افتد این است که طبق قانون، بانک مرکزی هر سال در پایان سال مالی باید ترازنامه تهیه کند.^۱ وقتی که تراز سود و زیانش را می‌گیرد باید منابع خودش را تسعیر بکند. اینکه ما اختلاف داریم که آیا این مابه‌التفاوت، ماهیت سود دارد یا نه و

۱. ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۲۴ -

الف - سال مالی بانک، از اول فروردین هر سال شروع و در آخر اسفند همان سال خاتمه می‌یابد.

ب - ترازنامه و حساب سود و زیان بانک بایستی حداقل یک ماه قبل از تشکیل جلسه سالانه مجمع عمومی به هیئت نظار تسلیم گردد.

ج - بانک مرکزی ایران حداقل ماهی یک بار خلاصه‌ای از وضع حساب‌های خود را انتشار خواهد داد.»

۲. بند (د) ماده (۱) قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «د - برابر پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین‌المللی پول محاسبه و تعیین می‌شود.»

غیر از بانک مرکزی کسی نمی‌تواند ارز بفروشد. [از محل این فروش، سود زیادی حاصل می‌شود که] این مازاد و مابه‌التفاوت، سود بالفعل است.

آقای ره‌پیک - آن، درست است. آن، سود بالفعل است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - این سود، دیگر مربوط به نتیجه‌ی محاسبه‌ی سود و زیان ترازنامه حساب بانک مرکزی نیست؛ سود بالفعل است.

آقای یزدی - این مصوبه، به این قسمتی که فروش می‌رود، کاری ندارد.

آقای جنتی - بله، [موضوع این مصوبه،] همین دارایی‌های بانک مرکزی است.

آقای ره‌پیک - هم موضوع بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور و هم این مصوبه‌ی جدید (ماده واحده)، مربوط به تراز است که هر سال در بانک مرکزی تهیه می‌کنند. الآن شما تبصره (۲) ماده واحده را هم نگاه بکنید. گفته است: «مفاد این قانون، از تاریخ تصویب، لازم‌الاجرا است و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود». چرا؟ چون اصلاً موضوع این مصوبه، [صورت‌های مالی و ترازنامه‌ی بانک مرکزی] است. بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی هم که از گذشته و قبل از انقلاب اجرا می‌شد، همین بوده است. هر سال، یک بار تراز مالی می‌گیرند و آنجا محاسبه می‌کنند که این قدر ارز داریم، این قدر طلا داریم ... و اینها به ریال چقدر می‌شود. اگر نسبت به سال گذشته افزایش داشت، این مابه‌التفاوت می‌شود آن افزایشی که در ترازنامه منعکس می‌شود.

آقای یزدی - لطف کنید به جمله‌ی دقیق آقای مرادی دقت کنید. همان‌طور که آقای دکتر ره‌پیک توضیح دادند، عبارتشان را در گیومه هم گذاشته است و می‌گوید: «تعیین تکلیف افزایش دارایی‌هایی خارجی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ناشی از تغییر برابری‌های قانونی نرخ ارز».

آقای علیزاده - این، عنوان مصوبه است.

آقای یزدی - می‌گوید این مصوبه، در مورد تعیین تکلیف این موضوع است، نه آن قسمت‌هایی از ارز نفتی که در بازار فروش می‌رود.

آقای ره‌پیک - این کار، در گذشته هم انجام می‌شده است. بعضی از مدیران ارشد بانک مرکزی هم - که من با بعضی از آنها صحبت می‌کردم - به بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی هم ایراد داشتند؛ نمی‌گویند که این کار را نمی‌شود کرد،

افزایش دارایی یا هر عنوان دیگر، بالاخره در ترازنامه منعکس شده است؛ یعنی مثلاً امسال (سال ۱۳۹۲) که تراز سال ۱۳۹۱ را گرفته‌اند، بر اساس ریال، این قدر [به دارایی بانک مرکزی] اضافه شده است. بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی در این مورد تعیین تکلیف کرده و می‌گوید از این مابه‌التفاوت بردار و به فلان جا بده و بقیه‌اش را هم به خزانه واریز کن. حالا اینکه آیا بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی با قانون اساسی جمهوری اسلامی تعارض دارد یا نه، یک بحث دیگری است. پس صورت مسئله و واقعیت مطلب این است که بانک مرکزی هر ساله ترازنامه و حساب سود و زیانش را تهیه می‌کند. در ترازنامه، دارایی‌ها - که شامل ارز، طلا و جواهرات است - را به ریال حساب می‌کنند. اگر قانوناً [دارایی‌ها] افزایش پیدا کرده باشد، ترازش هم بیشتر نشان می‌دهد. حالا این اضافه، اسمش سود باشد یا ...

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - بحث [محاسبه‌ی تراز به] ریال مطرح نیست. وقتی قانون می‌گوید دلار مثلاً معادل دو هزار و چهار صد تومان باشد، معنایش این است که بانک مرکزی هر مقدار ارز را بفروشد، معادل ریالی آن را از خریدار دریافت می‌کند و باید معادل آن به قیمت دو هزار و چهار صد تومان را به حساب خزانه واریز کند.

آقای ره‌پیک - حتی اگر بفروشد را هم شامل می‌شود.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - [با توجه به این مصوبه،] اگر دولت ارز را به قیمت بیش از آن در بازار آزاد بفروشد - با توجه به اینکه دولت هم مجاز است که ارز بفروشد - این مابه‌التفاوت حاصل می‌شود.

آقای ره‌پیک - من آن صورت مسئله را برای چه گفتم؟

آقای یزدی - آن، خارج از این بحث است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - وقتی در قانون بودجه پیش‌بینی می‌شود که هر دلار معادل مثلاً دو هزار و چهار صد تومان باشد، یعنی دولت و بانک مرکزی مکلفند در مقابل هر دلار نفتی که می‌فروشند، دو هزار و چهار صد تومان به حساب خزانه واریز کنند.

آقای ره‌پیک - درست است. آن مربوط به [تکلیف دولت و بانک مرکزی نسبت به] فروش ارز است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - ولی بانک مرکزی همه‌ی دلارهایش را به این قیمت [رسمی] نمی‌فروشد. مقدار زیادی را به قیمت‌های آزاد در بازار مثلاً به سه هزار و خرده‌ای تومان می‌فروشد؛ چون

چیزی به مصرف استهلاک اصل و بهره‌ی بدهی دولت می‌رسد که پول باشد. عبارت بند (ب) ماده (۲۶) صریح و روشن است که مقصود از «سود احتمالی»، پول‌هایی است که از فروش ارز به دست می‌آید و «به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید».

آقای رهپیک - [موضوع، سود حاصل از] فروش ارزها نیست؛ در بند (ب) ماده (۲۶) آمده که «حاصل از تغییر برابری‌های قانونی». **آقای هاشمی‌شاهرودی -** چون ارز را در خارج از بانک مرکزی به اشخاص می‌فروخته و [درآمد حاصل از آن را] به مصرف می‌رسانده‌اند، [این‌طور گفته است].

آقای رهپیک - بند (ب) ماده (۲۶) نگفته «حاصل از فروش»، بلکه گفته «حاصل از تغییر برابری‌های قانونی».

آقای هاشمی‌شاهرودی - این که نمی‌تواند به مصرف برسد. «به مصرف استهلاک...»، یعنی چه؟

آقای رهپیک - منظور از «تغییر برابری‌های قانونی» مثلاً همین است که دلار را از معادل ۱۲۲۶ تومان به ۲۵۰۰ تومان تبدیل کردند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر منظور مصوبه، ترازنامه‌ی مالی است که در واقعیت، [نتیجه‌ی مثبت] ترازنامه نمی‌تواند به مصرف برسد.

آقای رهپیک - اگر این مصوبه نبود و این حکم را بیان نمی‌کرد، شما «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی» را چه کار می‌کردید؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - شما هم، خلاف واقعیت بانک مرکزی صحبت می‌کنید؟

آقای رهپیک - من با بانک مرکزی صحبت کرده‌ام.

آقای علیزاده - در نامه‌ی آقای احمد توکلی نوشته است که دولت در سال گذشته (۱۳۹۱)، بابت فروش نفت و گاز و مابقی درآمدهای ارزی، پنجاه و هشت میلیارد دلار به بانک مرکزی ارز داده است. در ارزیابی و تهیه‌ی ترازنامه‌ی دارایی‌های بانک مرکزی، این پنجاه و هشت میلیارد دلار داده‌شده را به نرخ ۱۲۲۶ تومان حساب کردند. بانک مرکزی در تهیه‌ی ترازنامه‌ی امسال (۱۳۹۲)، ارزهای سال ۱۳۹۱ را معادل ۲۵۰۰ تومان ارزیابی و محاسبه کرده و این مابه‌التفاوت میان ۱۲۲۶ تومان و ۲۵۰۰ تومان [= ۱۲۷۴ تومان] حاصل شده است. آقای توکلی می‌گوید حاصل ضرب این مابه‌التفاوت در تعداد دلارها [با لحاظ حکم تبصره بند سوم مصوبه‌ی اجلاس پنجاه و سوم مجمع عمومی بانک مرکزی

بلکه می‌گفتند در عمل، ابهاماتی دارد و مشکل ایجاد می‌کند. مثلاً ممکن است صورت‌سازی‌هایی اتفاق بیفتد. ولی آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، این است که این مابه‌التفاوت، ناشی از فروش [دارایی‌های بانک مرکزی] نیست، بلکه نتیجه‌ی ارزیابی دارایی بانک مرکزی در تراز سالانه است که هر سال یک بار هم این اتفاق می‌افتد. بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی می‌گفت وقتی تراز مالی گرفته شد، اگر دارایی‌های بانک مرکزی افزایش داشت، بدهی‌های دولت به بانک مرکزی را از آن کم کن و بقیه‌اش را به خزانه واریز کن.

بنابراین، حالا به نظر من، موضوع خیلی اختلافی است، ولی به نظر من، با توجه به برداشتها و صحبت‌هایی که شد، هم این حکم [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی] و هم حکم این مصوبه‌ی جدید، واقعاً تلقی سود و دارایی واقعی نمی‌توان از آن داشت، بلکه این، محاسبه و ارزیابی دارایی‌های موجود است که قانون برایش حکم خاص تعریف کرده است. حالا قانون‌گذار می‌تواند بگوید به جای پرداخت بدهی‌های دولت و واریز باقی‌مانده‌ی آن به حساب خزانه، فلان کار را با آن انجام بده [و مثلاً آن را در حساب خاصی نگه دار]. این نظری هم که [آقای مدرس‌یزدی] می‌فرمایند [دارایی‌های بانک مرکزی]، متعلق به خود بانک مرکزی است، درست است؛ چون [در بند (ب) ماده (۲۶)] گفته «به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید»؛ یعنی دولت به بانک مرکزی، بدهکار است. بانک مرکزی تراز مالی خودش را تهیه می‌کند، نه تراز مالی دولت را. نسبت بدهی‌های خودش را به دارایی‌ها و مطالباتش محاسبه می‌کند. مصوبه، بانک مرکزی را مکلف کرده است که با مابه‌التفاوت ناشی از ارزیابی قیمت طلا و ارزهای در مالکیت بانک مرکزی - که احتمال تفاوت نرخ ارز وجود دارد - این کار را انجام بدهد. به نظر من، مصوبه از این جهت اشکال ندارد و [بیان‌گر] یک حکم خاص است که تدوین و تصویب کردند، منتها این مصوبه، اشکالات دیگری دارد. بالاخره صدر و ذیلش، تعارض دارد. صدر مصوبه گفته مابه‌التفاوت، «سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد» و ذیل آن گفته برای این مابه‌التفاوت، حساب باز کنید. مصوبه از این جهت قابل ایراد است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] «... به مصرف استهلاک...»، یعنی چه؟ چرا [نتیجه‌ی مثبت] ترازنامه را برای پرداخت بدهی قرار داده‌اند؟

مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] معادل هشتاد و یک هزار میلیارد تومان می‌شود و دولت بی‌خود آن را هفتاد و چهار هزار میلیارد تومان دانسته است. جواز استفاده‌ی این مابه‌التفاوت در پرداخت بدهی‌های دولت، در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور داده شده است. ما که الان نمی‌توانیم بگوییم آن قانون، خلاف قانون اساسی است؛ چون الان آن را اجرا نمی‌کنند. ولی طبق آن قانون [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] می‌توانستند این کار را بکنند و بدهی‌های دولت را از این طریق تسویه کنند. این مابه‌التفاوت، متعلق به بانک مرکزی نیست، بلکه متعلق به دولت است. دولت پنجاه و هشت میلیارد دلار، به قیمت هر دلار معادل ۱۲۲۶ تومان به بانک مرکزی داده است. الان هر دلار معادل ۲۵۰۰ تومان ارزش‌گذاری شده است. الان دولت می‌گوید از همین امسال، ترازنامه‌ی سال گذشته‌ی (۱۳۹۱) بانک مرکزی را بر این اساس بده و با این مابه‌التفاوت [بر اساس قانون پولی و بانکی کشور] بدهی‌هایم را تسویه کن. حالا مجلس با تصویب این ماده واحده، جلوی دولت را گرفته و گفته است که این کار را نکن [بلکه این مابه‌التفاوت را در حساب خاصی نگه دار]. قانون پولی و بانکی گفته است که پس از پرداخت بدهی‌های دولت، مازاد آن به حساب خزانه واریز شود؛ یعنی این مابه‌التفاوت، متعلق به دولت است. حالا سؤال این است که آیا الان مجلس با این مصوبه می‌تواند بگوید این مابه‌التفاوت به حساب خزانه واریز نشود؟ پس معلوم می‌شود که این مابه‌التفاوت، متعلق به دولت است؛ اگر درآمد دولت محسوب نمی‌شود، چطور بدهی دولت را از آن پرداخت می‌کنند؟ این یک درآمد متعلق به دولت است و طبق اصل (۵۳) قانون اساسی باید به حساب خزانه واریز شود و اگر مجلس بخواهد، می‌تواند بگوید از حساب خزانه، این قدر بدهی دولت را بپردازید. به نظر من، ما باید در خصوص صدر این مصوبه بگوییم که این مابه‌التفاوت به حساب خزانه واریز بشود و اگر می‌خواهند با آن بدهی دولت را هم بپردازند، این کار باید با تصویب مجلس بشود. بنابراین، این مابه‌التفاوت باید به حساب خاصی در خزانه واریز شود. این عرض من است. در اینجا نگفته‌اند بانک مرکزی هر چه طلا دارد را بفروشد و بدهی دولت را بپردازد. دولت در عوض فروش نفت، از بعضی از خریداران طلا و از بعضی دیگر ارز گرفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارزهای بانک مرکزی، در عوض فروش نفت است.

آقای علیزاده - بله. دولت، نفت را فروخته و معادل آن طلا گرفته است؛ مطابق ارزش دلاری آن، طلا گرفته است [و تحویل بانک مرکزی داده است]. الان، مصوبه‌ی مجلس نمی‌گوید که ارزهایی که در قبال فروش نفت دریافت کرده‌اند، به این حساب واریز کنند. الان می‌گویند طلا و ارز مربوط به پارسال را که الان دارید ارزیابی می‌کنید، مابه‌التفاوت افزایش ارزش قیمت ارز و طلا، متعلق به دولت است.

آقای ره‌پیک - تمام مابه‌التفاوت، متعلق به بانک مرکزی است و دولت نباید به آن دست بزند.

آقای سلیمی - همین‌طوری که فرمودند و همین مطلب هم از صدر ماده واحده‌ی مصوب برداشت می‌شود، موضوع این مصوبه و ماده واحده، ارزهای فروخته‌شده نیست، بلکه «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود» است؛ یعنی این مابه‌التفاوت از افزایش ارزش ارزهایی که الان در بانک مرکزی موجود است، ایجاد می‌شود. در ادامه‌ی مصوبه هم که گفته این مابه‌التفاوت، «سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد»، دوباره مؤید این برداشت است.

عبارات دیگری مثل ارزیابی، تسعیر، ترازنامه و ... نشان می‌دهد که بیشترین تأکید مصوبه بر چیزهایی است که بالفعل نشده و تحقق نیافته است؛ یعنی ارزها فروش نرفته و همچنان موجود است. تنها از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی، مابه‌التفاوت ناشی شده است. آقای علیزاده، ببینید. شما می‌خواهید بگویید که مابه‌التفاوت ناشی از تسعیر ارزهای بانک مرکزی به حساب خزانه واریز بشود. اگر این مابه‌التفاوت، متعلق به بانک مرکزی است، چرا به حساب خزانه واریز بشود؟! «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی ... در بخش سرمایه بانک مرکزی ذیل حساب اندوخته‌ها در ترازنامه منعکس و گزارش می‌شود.» چرا اگر درآمد ناشی از تسعیر ارزهای بانک مرکزی، متعلق به بانک مرکزی است، ما بگوییم به حساب خزانه واریز بشود؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - بانک مرکزی، بانک نیست.

آقای سلیمی - هر چه هست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه سپرده دارد، نه چیزی.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا.

آقای سلیمی - هر چه دارد، مهم نیست. مصوبه می‌گوید [مابه‌التفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک

نمایندگان مجلس] به ما می‌گویند: به چه اعتبار این مابه‌التفاوت را به حساب خزانه بریزیم؟

آقای مدرس‌یزدی - این عبارتی که اینجا گفته شده: «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی»، اعم از این است که ناشی از فروش ارز باشد یا فقط در اثر تراز سود و زیان بانک مرکزی باشد. صدر مصوبه می‌گوید «تفاوت». حالا اگر بانک مرکزی ارزشهایش را نفروشد و فقط ترازنامه‌ی سود و زیانش را تهیه کند، حرف شما درست است [که مابه‌التفاوت، تنها شامل تسعیر باشد]. آن حرف را قبول داریم، ولی اگر بانک مرکزی مقداری از ارزشهایش را هم فروخت، این خارج از [حکم] این [مصوبه] نیست؛ چون صدر ماده واحده می‌گوید «تفاوت ناشی»؛ حالا هر طوری این «تفاوت» حاصل شود، فرقی نمی‌کند؛ چه ناشی از فروش ارز باشد و چه ناشی از تسعیر ارز. معمولاً بانک مرکزی آخر سال ترازنامه و حساب سود و زیان خودش را تهیه می‌کند. بانک مرکزی تا آخر سال یک مقداری از ارزشهایش را با قیمت بالاتر فروخته و یک مقدار هم نفروخته است. هر دو تا را در ستون دارایی‌هایش اضافه می‌کند، بعضی‌هایش عیناً اضافه می‌شود؛ بعضی‌هایش حکماً اضافه می‌شود. بدهی‌هایش هم در ستون بدهی‌هایش اضافه می‌کند. این یک مطلب. مطلب دیگری را که من می‌خواهم عرض بکنم، طبق قانون [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی] آن سیری که جناب آقای علیزاده فرمودند، تا یک مقداری کاملاً درست بود که این مابه‌التفاوت، متعلق به بانک مرکزی است، ولو اینکه ممکن است بانک مرکزی هم به دولت بدهکار باشد. البته ایشان فرمودند که سودی که برای بانک مرکزی پیدا می‌شود، باید به حساب خزانه واریز بشود و بعد دولت با اجازه‌ی مجلس، بدهی‌اش را بردارد. [با این توضیح]، این مصوبه، دقیقاً خلاف بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی است و تا زمانی که این مصوبه [با تأیید شورای نگهبان] به قانون تبدیل نشده است، قانون قبلی [قانون پولی و بانکی کشور] حاکم است. قانون قبلی تصریح کرده که از محل سود احتمالی، در ابتدا بدهی‌های دولت به بانک مرکزی تسویه می‌شود و مابقی سود به حساب خزانه واریز می‌شود؛ یعنی «مابقی» را در عرض «تسویه بدهی» گذاشته است؛ یعنی بدهی‌های دولت، به صورت اتوماتیک تسویه می‌شود؛ یعنی خود بانک مرکزی، بدون اینکه [اول این سود احتمالی را] به حساب خزانه واریز کند، بدهی‌های دولت را کم می‌کند.

مرکزی]، متعلق به بانک مرکزی است. ما به این عبارت ماده کار داریم؛ ما هستیم و این ماده. این ماده می‌گوید این مال، متعلق به بانک مرکزی است.

آقای ره‌پیک - [به منظور تهیه‌ی ترازنامه‌ی سود و زیان بانک مرکزی، دارایی‌ها و بدهی‌های این بانک را] تسعیر می‌کنیم. وقتی تسعیر کردیم، ممکن است ارزش دارایی‌های بانک مرکزی بالاتر رفته باشد. این [مابه‌التفاوت]، در حساب خاصی در بانک مرکزی نگه داشته می‌شود. چرا باید به حساب خزانه واریز بشود؟ اگر متعلق به دولت است، باید عبارت صدر ماده واحده را عوض کنند و بنویسند: «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های دولت که در اختیار بانک مرکزی است، باید به حساب خزانه واریز شود». این عبارت، کاملاً درست است، ولی این مصوبه، این را نمی‌گوید، بلکه می‌گوید: «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی»، یعنی متعلق به بانک مرکزی است. ظاهر عبارت، این است که متعلق به بانک مرکزی است. بنابراین چرا باید به خزانه واریز بشود؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - پول نقد، متعلق به بانک مرکزی است.

آقای سلیمی - ما نمی‌گوییم «پول نقد». اینجا، پول نقد مطرح نیست. اینجا می‌گوید «دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی». عبارت مصوبه گفته: تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی در یک حساب خاص منظور و در بخش سرمایه‌ی بانک مرکزی منعکس می‌شود. به نظرم اگر ما الآن به این مصوبه ایراد بگیریم و بگوییم این مابه‌التفاوت باید به حساب خزانه واریز شود، آقایان [نمایندگان مجلس] به ما می‌گویند: به چه اعتباری باید به حساب خزانه واریز بشود؟ این مابه‌التفاوت، متعلق به بانک مرکزی است، چرا به حساب خزانه واریز بشود؟ اگر بانک مرکزی، شخصیت حقوقی دارد، همان‌طور که در صدر مصوبه گفته شده است، می‌تواند دارایی داشته باشد و همان‌طور که در ذیل مصوبه گفته شده است، می‌تواند برای نگهداری آن، حساب خاصی داشته باشد. اگر بانک مرکزی شخصیت حقوقی ندارد، نه می‌تواند دارایی داشته باشد و نه حساب خاص. در این صورت، باید «دارایی‌ها» در صدر ماده واحده را به «دولتی» مقید کرد و «حساب» در ذیل ماده واحده را هم به خزانه مقید کرد. و الا اگر بانک مرکزی بتواند دارایی داشته باشد و ما در ذیل مصوبه بگوییم این مابه‌التفاوت به حساب خزانه واریز بشود، این وجهی نخواهد داشت. [اگر این ایراد را بگیریم،

آقای هاشمی‌شاهروندی - [این ودیعه، سپرده‌ی] قانونی است. **آقای مدرسی‌یزدی -** بانک مرکزی، «ام‌البنوک»^۲ است؛ باید کارهای بانک‌ها را انجام بدهد؛ سرپرستی بانک‌ها را انجام بدهد. **آقای هاشمی‌شاهروندی -** چون بانک نیست و جزئی از دولت است، این کار را می‌کند.

آقای مدرسی‌یزدی - بعد هم اینکه واقعاً این [مابه‌التفاوت یا سود احتمالی]، درآمد بانک مرکزی است و نباید به حساب خزانه واریز شود. اصلاً ربطی به اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد. یکی از شواهد مبنی بر اینکه این مابه‌التفاوت، درآمد بانک مرکزی است و دولت باید تسویه بکند، بند (الف) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور است. اصلاً اگر به این بند توجه نفرمایید، حکم آن، عکس حکم بند (ب) است. بند (ب) مربوط به آنجایی است که قیمت ارز بالا رفته [و لذا مابه‌التفاوت آن را سود احتمالی دانسته است]؛ بند (الف)، عکس این است و وظیفه‌ی دولت را در زمانی که قیمت ارز پایین بیاید، تعیین کرده است: «الف- دولت موظف است در مقابل زیان‌های احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی ایران تسلیم نماید.» یعنی اگر بانک مرکزی ببیند حجم پولی که در جامعه منتشر کرده است با پشتوانه‌اش - که طلا یا ارز است - برابری نمی‌کند و ارزش دلار یا طلا از میزانی که باید باشد، پایین‌تر آمده است، در این حالت دولت موظف است اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر کند. اتفاقاً من یک زمانی از رئیس کل بانک مرکزی پرسیدم که این پول‌ها را که منتشر می‌کنید، چه کار می‌کنید؟ گفت هیچ کاری نمی‌کنیم، فقط یک سند برمی‌داریم و می‌نویسیم که اینجا مثلاً فلان چیز را به عنوان سند یا به عنوان قرض، در بانک مرکزی می‌گذاریم. هیچ چیز دیگر نیست. اینجا در بند (الف) ماده (۲۶) می‌گوید: «دولت موظف است ... اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین، صادر و به بانک مرکزی ایران تسلیم نماید.» دولت نمی‌تواند نسبت به این مسئله بی‌توجه باشد. دولت یک سندهایی را مثل اوراق قرضه یا چیزهای دیگر، صادر و امضا می‌کند و به بانک مرکزی تحویل می‌دهد و با این کار به بانک مرکزی بدهکار می‌شود. اگر عکس این مسئله اتفاق افتاد، [با توجه به بند (ب) ماده (۲۶)] این بدهی‌ها را تسویه می‌کند و طبق این قانون، هیچ لزومی هم ندارد که به حساب خزانه واریز شود. تا الآن هم این ماده (۲۶) قانون

۲. به معنای «مادر بانک‌ها» است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - [بانک مرکزی، بدهی‌های دولت را به صورت خودکار از این سود] برمی‌دارد؛ چون اصلش متعلق به دولت است که حاصل فروش نفت است.

آقای مدرسی‌یزدی - جناب آقای هاشمی، چرا شما [قواعد] حسابداری را رعایت نمی‌فرمایید؟

آقای هاشمی‌شاهروندی - شما حقیقت [نظام حقوقی حاکم بر] بانک مرکزی را نمی‌دانید.

آقای مدرسی‌یزدی - من ده بار [حقوق] بانک مرکزی را درس داده‌ام. بانک مرکزی این‌طوری که نیست. حساب بدهکار و بستانکار دارد، یک سرمایه ثابت هم دارد، که آن سرمایه‌اش سر جای خودش محفوظ است. این پول‌هایی که پیش بانک مرکزی است - ولو اینکه دولت به او داده باشد - مثل پول شما است که در بانک قرار داده‌اید.

آقای هاشمی‌شاهروندی - این‌طوری نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - فعلاً پول شما، دارایی بانک حساب می‌شود، منتها در ستون بدهی‌ها هم دوباره بانک به شما بدهکار است. الآن رابطه‌ی بانک مرکزی و دولت این‌چنین است. بانک مرکزی با دولت بده و بستان دارد. خزانه، متعلق به دولت است. بانک مرکزی هم یک شخصیت حقوقی مستقل دارد.

آقای هاشمی‌شاهروندی - مثل یک وزارتخانه در مقابل وزارتخانه‌ی دیگر.

آقای مدرسی‌یزدی - بله.

آقای هاشمی‌شاهروندی - ولی هر دو جزئی از دولت‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - و لذا، بدهکار و بستانکار هستند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - [بانک مرکزی و خزانه، جزء] بخش خصوصی نیستند؛ هر دو جزء دولت‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - بانک مرکزی هم مثل بقیه‌ی بانک‌ها است؛ غیر از اینکه با مشتریان خاص رابطه ندارد، بلکه با بانک‌ها رابطه دارد. همه بانک‌ها باید (۲۵٪) سرمایه‌شان را در بانک مرکزی بگذارند.^۱

۱. ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۱۴- بانک مرکزی ایران در حُسن اجرای نظام پولی کشور می‌تواند به شرح زیر در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند.

...

۳- تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی ایران که ممکن است بر حسب ترکیب و نوع فعالیت بانک‌ها نسبت‌های متفاوتی برای آن تعیین گردد ولی در هر حال این نسبت از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود.»

مردم و دولت است. زمانی که این طلاها و ارزها به بانک مرکزی واگذار شد، بانک مرکزی فقط یک امین است که پولها در اختیار او است. اگر قیمت پولها، ارزها، یوروها، طلاها و داراییهای بانک مرکزی بالا رفت، ارزش آنچه که متعلق به دولت و مردم است، بالا رفته و نه اینکه سرمایهی بانک عوض شده یا افزایش یافته باشد. بانک مرکزی که سرمایه دار نیست. بانک مرکزی نسبت به این پولها - که همه اش متعلق به مردم بوده و ارز، دلار، یورو یا طلائی است که از خارج گرفته و یا در داخل به مردم فروخته است، امین است و وکیل و نمایندهی مردم است. بانک مرکزی حق ندارد که در یک ریال از این منابع تصرف کند که ملک خودش بشود که بگوییم مالک است و [در نتیجه با افزایش قیمت داراییهایش بگوییم] سرمایه اش بالا رفته است. اینها سرمایهی بانک مرکزی نیست. او مثل قائم مقام یا عامل اشخاص و دولت در مورد معاملات پولهای مردم و پولهای حکومت است. آن وقت طبعاً اگر بنا باشد که قیمت این اموال حساب شود - حالا چه اینکه مجلس قیمت ارز را تصویب کرده باشد یا نکرده باشد و چه اینکه دلار به قیمت دولتی قدیم ۱۲۲۶ تومان محاسبه بشود یا ۲۵۰۰ تومان جدید یا کمتر یا بیشتر از ۳۰۰۰ تومان واقعیت خارجی بازار روز - همهی اینها، پول مردم است. «تسعیر» که به معنای این نیست که فقط یک چیز صوری را روی کاغذ بنویسیم، بلکه ارزیابی است. معنای واقعی ارزیابی این است که ببینیم این پولی که مردم یا دولت در بانک مرکزی دارند، ارزش واقعی اش چقدر است؟ مثلاً اگر این پول در آنجا، ۵۰ میلیارد دلار است، اگر بخواهیم بگوییم که این پول به حسب ریال چقدر است، قیمت واقعی ارز در بازار یعنی ۳۰۰۰ تومان را در ۵۰ میلیارد دلار ضرب می کنیم، رقم حاصل شده، ارزش واقعی ملک مردم می شود. ما اگر این کار را کردیم، به دنبال یک حسابداری صوری نیستیم. حسابداری باید بر اساس واقعیت باشد و قیمت واقعی دلارهای در اختیار بانک مرکزی، قیمت روز بازاری آن ارزها است ولو این دلارها فروش هم نرود. آن وقت طبعاً اگر فروش برود - [آن مابه التفاوت و سود] فعلیت پیدا کرده و تبدیل به ریال شده است و اگر فروش نرود، این پولی که آنجا است ۵۰ میلیارد دلار با ارزش هر دلار ۳۰۰۰ تومان است، نه ۵۰ میلیارد دلار با ارزش ۱۲۲۶ تومان. این دروغ است که بگوییم ارزش این دارایی، ۵۰ میلیارد دلار با ارزش ۱۲۲۶ تومان است؛ چون واقعاً هم [به ارزش ریالی دلار] اضافه شده است، نه اینکه ما گفته باشیم

پولی و بانکی انجام می شده و مُجراً بوده است. حالا می خواهند این قانون را لغو کنند و حتی به سال گذشته ای که قبل از تصویب این مصوبه بوده، تسری بدهند. اینکه آیا می توانند چنین مصوبه ای داشته باشند یا نه، بحث جدایی است. به نظر من، در این جلسه، این قضیه حل نمی شود. باید یک مقدار دیگر در خصوص این مصوبه مطالعه کنیم. اگر بعد از افطار شد، باز دوباره جلسه داشته باشیم یا فردا صبح جلسه داشته باشیم.

آقای مؤمن - جناب آقای مدرسی، توجه بفرمایید. تمام آنچه را که می گوئید بر عهده و در مالکیت بانک مرکزی است، دلارهای حاصل شده از نفت فروخته شده توسط دولت و متعلق به کشور است؛ به جای اینکه این دلارها - فرض کنید - در محلی پیش وزیر نفت یا وزارت نفت باشد، گفته اند آنها را به بانک مرکزی بدهند. بانک مرکزی مالک این دلارها نیست که مجاناً این را به او داده باشند.

آقای مدرسی یزدی - آیا بانک مرکزی می تواند در دلارها تصرف کند یا نه؟

آقای مؤمن - نخیر، حق ندارد.

آقای مدرسی یزدی - یعنی نمی تواند خرید و فروش کند؟

آقای علیزاده - نمی تواند.

آقای مؤمن - اگر [برای دولت] خرید و فروش کند، چرا، حق این کار را دارد، ولی نمی تواند برای خودش یک دلار بردارد.

آقای جنتی - یعنی امانی است؛ امانت است.

آقای مؤمن - بله، غیر از این نیست.

آقای مدرسی یزدی - این طور نیست.

آقای مؤمن - شما می فرمایید نیست.

آقای جنتی - ارز در دست بانک مرکزی، امانت است.

آقای مؤمن - یعنی همان طوری که خودمان به بانک مرکزی و بانکهای دیگر می گوئیم که حق تصرف در پولهایی که مردم در حسابها گذاشته اند را ندارند و تصرفاتشان باید در حدود اجازات مردم باشد، [بانک مرکزی هم نمی تواند در ارزهای موجود در حسابهای بانک مرکزی بدون اذن مجلس تصرف کند].

آقای مدرسی یزدی - این حساب، جاری است.

آقای هاشمی شاهرودی - غیر از جاری است.

آقای مؤمن - منظور من، حسابهای جاری نیست، حساب سرمایه گذاریها را دارم می گویم. تمام ارزها، دلارها، یوروها و طلاهای حاصل از فروش نفت، پول عمومی دولت و متعلق به

اضافه شده است. حالا چرا می‌گویند «سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد»؟! این [مابه‌التفاوت]، واقعاً سود است. یعنی اضافه‌ای است که ناشی از تغییر قیمت ریالی دلار است و اگر مجلس غیر از این و کمتر از این را بگوید، اینها واقعیت را تغییر نمی‌دهد. واقعیت آن است که در محاسبه قیمت ریالی دلار باید قیمت آن در بازار آزاد محاسبه شود، نرخ فعلی‌اش همان نرخ است که در بازار است و نوشتن غیرواقعی ارزش ارز، واقعیت را تغییر نمی‌دهد. قهراً آن ارزیابی که از اول برای بانک مرکزی حساب کردیم، متعلق به بانک مرکزی نبوده است، بلکه پول‌های مردم بوده است؛ منتها در ابتدای سال گذشته، هر دلار معادل ۱۲۲۶ تومان بوده و مردم معادل مثلاً ۵۰ میلیارد دلار ۱۲۲۶ تومانی در نزد بانک مرکزی - به عنوان امین آنها - قرار داده بودند و اگر حالا ارزش آن زیاد شده، بالتبع پول مردم زیاد شده است و واقعاً هم زیاد شده، نه اینکه فقط ما گفته باشیم. اگر ما [ارزها و طلاها را] کمتر از قیمت بازار تسعیر و ارزیابی کنیم، این مابه‌التفاوت را برای مردم کم گذاشته‌ایم و خلاف واقع است. اینکه گفته بشود که این «سود» تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد»، درست نیست. سود، سود است و تحقق‌یافته تلقی می‌شود و وقتی سود تحقق‌یافته تلقی شد، قهراً مشمول حکم اصل (۵۳) قانون اساسی می‌شود. اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گوید: کلیه دریافت‌های دولت، باید در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود. این دریافت‌های دولت، یعنی پول‌هایی که در اختیار دولت به عنوان امین مردم است، نه اینکه ملک دولت باشد؛ دولت بر این اموال، ید امانی دارد. چرا در ذیل این مصوبه می‌گویند: این مابه‌التفاوت «در حسابی تحت عنوان مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی منظور و در بخش سرمایه بانک مرکزی ذیل حساب اندوخته‌ها در ترازنامه منعکس و گزارش می‌شود»؟ معنای «حساب شدن در بخش سرمایه بانک مرکزی» این است که اموال مردم را از ید آنها بیرون بیاوریم. این پول، پول ملی است و باید به حساب خزانه واریز بشود. اگر می‌خواهند برای این مابه‌التفاوت، حساب خاصی در خزانه قرار بدهند، اشکالی ندارد، ولی در هر حال، باید همه‌ی این پول به حساب خزانه واریز بشود و تمام پرداخت‌ها باید در حدود [اعتبارات مصوب و به موجب قانون مصوب مجلس] باشد. بنابراین، به نظر من روشن است که این مصوبه، مغایر [اصل (۵۳) قانون اساسی] است.

آقای هاشمی‌ساهرودی - به نظر من، مسئله خیلی روشن است. ابهام‌ها به جهت عدم اطلاع از مسائل اجرایی بانک مرکزی است

و الا روشن است. حالا ابهام بگیرید.

آقای ره‌پیک - نه حاج‌آقا! من با معاون بانک مرکزی صحبت کرده‌ام.

آقای جنتی - چون این مصوبه دوفوریتی است، امروز باید به مجلس جواب بدهیم.

آقای هاشمی‌ساهرودی - می‌گوییم ابهام دارد. آقایان می‌گویند این مصوبه ابهام دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - اینکه حضرت آیت‌الله مؤمن می‌فرمایند بانک مرکزی فقط امانت‌دار و وکیل [پول‌های مردم] است، این‌طوری نیست. اگر الان یک نفر فرد عادی فرضاً در بانک ملی - نه بانک مرکزی - یک حساب ارزی افتتاح کند و پولی پیش بانک بگذارد، آیا این پول آنجا پیش بانک ملی امانت است؟ نخیر. اگر امانت بود، بانک حق نداشت در آن تصرف کند و اگر با آن ارز کار می‌کرد، معامله‌اش فضولی می‌شد و با اجازه صاحب مال (صاحب حساب) تنفیذ می‌شد. من نظرم این است که پولی که افراد پیش بانک‌ها قرار می‌دهند، مثل قرض است و بانک، مالک آن می‌شود؛ حداقل بسیاری از - نمی‌گویم همه‌اش - حساب‌هایی که هست، بانک‌ها مالک پول‌ها می‌شوند، منتها در مقابل، به آن کسانی که پول در بانک گذاشته‌اند، بدهکارند.

آقای هاشمی‌ساهرودی - پس بانک نمی‌تواند به اشخاص سود بدهد؛ چون آن سود، ربا می‌شود. اگر بانک، مالک اموال باشد و بخواهد سود بدهد، آن سود، ربا است.

آقای مدرسی‌یزدی - بله. همین طوری است؛ مگر آن قراردادهایی که طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا^۱ بر اثر جعاله یا مضاربه و ... باشد.^۲

آقای هاشمی‌ساهرودی - سپرده، قرض است!؟

آقای مدرسی‌یزدی - بانک‌ها اسمش را «سپرده» می‌گذارند. حقیقتش، «قرض» است.

آقای هاشمی‌ساهرودی - قرض است!؟

آقای مدرسی‌یزدی - بله.

۱. قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مشتمل بر (۲۷) ماده و (۴) تبصره، در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ در شورای نگهبان تأیید شد.

۲. تبصره ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۸: «تبصره - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

درآمد محسوب می‌شود و باید به حساب خزانه واریز شود و مالیات هم دارد. پس نکته‌ی اول این است که با توجه به اینکه این مصوبه و بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی در مورد تراز اموال بانک مرکزی است، ما باید بین مابه‌التفاوت حاصل از تراز دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی و سود حاصل از فروش ارز در بازار آزاد تفاوت قائل بشویم. نکته‌ی دوم این است که باید بین مالکیت عمومی و مالکیت دولتی فرق گذاشته بشود. بله، این دارایی‌هایی که در بانک مرکزی است، مالکیت عمومی دارد، اما مالکیت دولتی ندارد. بنابراین، به همین دلیل، شما می‌بینید که دولت به بانک مرکزی بدهکار می‌شود. اگر دارایی‌های بانک مرکزی در مالکیت دولت باشد که دولت به خودش بدهکار نمی‌شود. دارایی‌های بانک مرکزی، مالکیت عمومی دارد و متعلق به کشور و مردم است که طبق قانون در اختیار بانک مرکزی است و دولت از او وام و قرض می‌گیرد و کلیه‌ی درآمدهای حاصل از فروش [نفت و معاملات بین‌المللی] باید به حساب بانک مرکزی واریز شود. بنابراین، بین مالکیت عمومی و دولتی هم فرق است. حالا ببینید اشکال کارشناسان بانک مرکزی هم به بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی و هم به مصوبه‌ی جدید چیست. از نظر ایشان، اشکال این دو، ایجاد تورم و صورت‌سازی است که در هر دو تا هست. اگر شما این مابه‌التفاوت را از بانک مرکزی خارج کنید و به آن سود بگویید، این اشکالات را دارد. اگر بانک مرکزی مقداری شمش طلا داشته باشد، با تغییر برابری نرخ ریال با قیمت جهانی طلا، چه چیزی به بانک مرکزی اضافه می‌شود؟ یا اگر فردا این نرخ کم بشود، [چه چیزی از منابع بانک مرکزی کم می‌شود]؟ اشکال کارشناسان قدیمی و خبره بانک مرکزی چیست؟ من به بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کاری ندارم؛ آنکه قبلاً اجرایی شده و با تصویب این مصوبه، نسخ می‌شود. اشکال این کارشناسان این است که می‌گویند درست است که [با تغییر برابری نرخ ریال با قیمت جهانی طلا] در تسعیر، قیمت دارایی‌های بانک مرکزی افزایش پیدا کرده است، ولی خود این شمش طلا و دیگر دارایی‌های عمومی که در اختیار بانک مرکزی است، تغییری نکرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بانک مرکزی این طلاها را از کجا آورده است؟

آقای ره‌پیک - از هر جا آورده باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این طلا، از پول دولت است.

آقای مؤمن - پس در کجا سپرده است؟

آقای مدرسی‌یزدی - من آن سپرده‌های جاری را می‌گویم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، حساب‌های بانک مرکزی که جاری نیست. به حساب‌های جاری، دسته چک می‌دهند.

آقای مدرسی‌یزدی - نه لازم نیست که حتماً برای حساب‌های جاری دسته چک بدهند، بعضی وقت‌ها دسته چک هم نمی‌دهد. الان هیچ‌کدام از حساب‌هایی که اسمشان را حساب‌های عادی قرض‌الحسنه گذاشته‌اند، [حساب قرض‌الحسنه نیست] و الا اگر امانت بود، تمام احکام امانت بر آنها حاکم بود. در بانک مرکزی هم بسیاری از دارایی‌های دولت که در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد، متعلق به خود بانک مرکزی است، الا اینکه بانک مرکزی در مقابل این پول‌ها به دولت بدهکار است. پس، سود [دارایی‌های بانک مرکزی]، متعلق به خود بانک مرکزی است.

آقای مؤمن - ارزهای [حاصل از فروش] نفت، متعلق به بانک مرکزی نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؟ به چه دلیل می‌فرمایید؟ دولت به بانک مرکزی می‌گوید که تو حق داری هرگونه تصرفی می‌خواهی در این اموال بکنی و به خود من هم بدهی.

آقای مؤمن - نه، حق ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - این، عین قرض است.

آقای علیزاده - من [از ماحصل مباحثات و ایرادات مطرح‌شده] یک چیزی نوشتم؛ اگر این ایراد را قبول دارید، رأی بدهید. اگر قبول ندارید، ابهام بگیریم و بگذریم. آقای ره‌پیک بفرمایید.

آقای ره‌پیک - بین چند تا چیز باید فرق بگذارید. یکی همان‌طوری که عرض کردیم، تفاوت بین نرخ ارز [رسمی و دولتی] در تراز با فروش [ارز در بازار آزاد] است. ارزهایی که فروخته می‌شود، مطابق قانون، مالیات آنها را می‌گیرند. آن بحث، روشن است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ترازش هم باید ...

آقای ره‌پیک - نه، این مطلب روشن است که این مصوبه هم ناظر به بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی بوده که موضوع آن هم تراز [دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی] است. در طول سال ممکن است بارها این قیمت‌ها، بالا و پایین بشود. بانک مرکزی که هر بار [تراز دارایی‌ها و بدهی‌هایش را] حساب نمی‌کند که بگوید الان من این قدر اموال دارم. فروش ارز [به صورت آزاد در بازار]، به صورت موردی است که برای خود، قانون دارد و آن مابه‌التفاوتش هم سود است و دریافت آن سود،

آقای ره‌پیک - این، جزء دارایی‌های بانک مرکزی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارزش مال مردم بالا رفته است.

آقای ره‌پیک - باشد. ارزش مال مردم که در اختیار بانک مرکزی است، بالا رفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این پشتوانه نیست.

آقای ره‌پیک - این [مابه‌التفاوت] نباید از بانک مرکزی بیرون برود [و به حساب خزانه واریز بشود].

آقای علیزاده - سال گذشته بانک مرکزی دلار را معادل ۱۲۵۰ تومان گرفته است و حالا دارد ۲۵۰۰ تومان حساب می‌کند. مابه‌التفاوت را باید به دولت بدهد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - نه، چرا باید به دولت بدهد؟ متعلق به بانک مرکزی است و ارزش دارایی بانک مرکزی افزایش پیدا کرده است.

آقای علیزاده - دولت چیزی از بانک مرکزی نمی‌خواهد، فقط به بانک مرکزی می‌گوید پول من را به قیمت روز حساب کن و بده؛ آن طلا و ارز را هر چه می‌خواهی بفروشی، بفروش.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - [این برداشت،] اشتباه است.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم: ماده واحده، نسبت به مازاد حاصل ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصلش هم، همین طور است.

آقای علیزاده - بفرمایید اصلش هم همین است.

آقای ره‌پیک - حاج‌آقا! اگر درآمد حاصل از فروش دارایی‌ها است، چرا گفته «سود تحقق‌نیافته»؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - این‌طوری گفته دیگر.

آقای علیزاده - آنها را ولش کنید، این که هست، در تراز هر سال است.

آقای جنتی - خیلی خب، ایراد را بخوانید.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم «ماده واحده نسبت به مازاد حاصل که مربوط به درآمد دولت است، باید در حساب خزانه‌داری کل متمرکز شود و الاً خلاف اصل (۵۳) است.»

آقای مؤمن - مربوط به ارزهای متعلق به دولت.

آقای علیزاده - همان دیگر.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ارز و دارایی‌ها.

آقای علیزاده - طلا هم همین است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - هر دو.

آقای علیزاده - گفتیم مربوط به درآمد دولت است دیگر.

آقای یزدی - خب این ایراد، رأی ندارد.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای یزدی - برای اینکه معنای مصوبه، این نیست.

آقای علیزاده - ما آن قسمت از اموال بانک مرکزی را که عمومی است، می‌گوییم.

آقای یزدی - مابه‌التفاوت قیمت، غیر از درآمد است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس ابهام بگیریم.

آقای علیزاده - پس اینجا را ابهام می‌گیریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ابهام بگیرید که مجلس این را توضیح بدهد.

آقای علیزاده - بله، ابهام می‌گیریم. اگر آقایان به ابهام این مطلب رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای یزدی - به هر حال، این همه بحث شد. روشن است دیگر. اگر دارایی‌های بانک مرکزی فروخته شد، مابه‌التفاوت قیمت بازار، درآمد مازاد است و مالیات دارد و به خزانه هم باید برود؛ ولی اگر دارایی‌ها فروخته نشده و مابه‌التفاوت تسعیر دارایی‌ها برای تهیهی ترازنامه بانک مرکزی، [منفی یا مثبت بوده است، مشمول حکم بندهای (الف) یا (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی است].

آقای علیزاده - [در تهیهی ترازنامه،] قیمت چه چیز را حساب می‌کند؟

آقای یزدی - در تهیهی ترازنامه، تسعیر لحاظ می‌شود.

آقای مؤمن - تسعیر چه چیزی است؟

آقای یزدی - وقتی [دارایی‌های بانک مرکزی] تسعیر شد، بند (الف) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور می‌گوید که اگر مابه‌التفاوت منفی شد، این‌طور است و بند (ب) هم می‌گویند اگر مثبت شد، این‌طور است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این تسعیر چیست؟

آقای علیزاده - تسعیر چه چیز بگوییم؟

آقای یزدی - تسعیر یعنی محاسبه‌ی قیمت اموال عمومی بانک مرکزی که آیا به آن چیزی اضافه شده یا نه.

آقای ره‌پیک - این یعنی همان [تهیهی ترازنامه].

آقای یزدی - دارایی‌ها، ارزها و طلاها همان‌ها که بوده، با همان کیفیت جنس و وزن همچنان هست. تعداد دلارها و یوروها هم همان تعداد است. فقط سعر و قیمت آنها، تفاوت کرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آن دلارها مال چه کسی است؟

مابه‌التفاوت را در حسابی حبس می‌کنیم. پس ابهام این شد: «از این حیث که معلوم نیست که این سود مربوط به دارایی‌های متعلق به دولت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»^۲

آقای یزدی - بانک مرکزی، یک شخصیت حقوقی است که عهده‌دار [نگهداری و مدیریت] سرمایه‌ی کشور است که متعلق به عموم مردم است، ولی قیمت تفاوت پیدا کرده است. قیمت را تغییر دادند که با تفاوت قیمت در بازار بفروشند. یک وقت بانک مرکزی دلارها را در خیابان و بالاتر از قیمت دولتی‌اش می‌فروشد، در این صورت آن اضافه‌ای که دریافت کرده، درآمد دولت است و حتماً هم باید به حساب خزانه واریز شود؛ ولی در پایان سال که برای تهیه‌ی ترانزنامه می‌خواهند دارایی‌های بانک مرکزی را ارزیابی و تسعیر بکنند، در اینجا فقط قیمت‌گذاری می‌کنند و بر مابه‌التفاوت قیمت‌گذاری و تسعیر نسبت به قیمت دولتی و اولیه، درآمد صدق نمی‌کند. واقعاً هم درآمد نیست. سود هم حساب نمی‌شود، مالیات هم ندارد و به حساب خزانه هم نباید واریز شود.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، اگر ابهام بگیریم، جناب‌عالی رأی می‌دهید؟

آقای یزدی - بله، اگر ابهام بگیرید، رأی می‌دهم؛ برای اینکه اکثر آقایان، اصلاً موضوع برایشان روشن نیست.

آقای علیزاده - پس بگوییم که ماده واحده از این حیث که معلوم نیست آیا این دارایی‌ها، درآمد دولت و متعلق به دولت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. حضرات آقایانی که رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای ره‌پیک - باید بگوییم آن «سود» ابهام دارد. مقصود از «سود» چیست؟ این در مصوبه نیامده است.

آقای علیزاده - بگوییم معلوم نیست که این سود حاصل مربوط به دارایی دولت است یا نه؟

آقای سوادکوهی - جناب آقای علیزاده! ما یک مورد تفسیر اصل (۹۷) قانون اساسی هم داریم که دوفوریتی را توضیح داده است.^۱ به نظرم این مصوبه اصلاً از حیث اینکه دو فوریتی می‌تواند باشد یا نه، خودش محل بحث است.

آقای علیزاده - حالا دیگر ما به آن مسئله خیلی کاری نداریم. مجلس می‌گوید اگر ما در مورد این مابه‌التفاوت تصمیم نگیریم، دولت این را از بین می‌برد. مجلس می‌گوید فعلاً باید این

۲. نظر شماره ۱۳۳۹۵/۵۱۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۳۳/۲۶۵۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱، طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه مورخ سی و یکم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد: - ماده واحده از این حیث که معلوم نیست آیا سود مورد نظر از دارایی‌های متعلق به دولت است یا خیر، و اینکه به خزانه واریز می‌گردد یا نه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۱۲۵۸ مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۵ شورای نگهبان: «مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نود و هفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه‌ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرح‌هایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست، شامل نمی‌شود.»